

برای خوانندگان مجله ورزش

چینا
لولو بریجید



بزرگترین هدیه فصل زمستان سینما رگس بدو ستاران سینما

لزد سرخ پوش

بزرگترین شاهکار قهرمانی: بورت لانگستون
هنر پیشه فیلم مشعل و کمان بورت لانگستون
محصول رنگی کمپانی برادران وارنر
صحنه‌های قهرمانی و عملیات بازیکنان این فیلم
تاکنون نظیر نداشته است

سینما رگس هر هفته صبحها باستانی روزهای سه‌شنبه یک‌سانس
فوق‌العاده از ساعت ۱۰ صبح نمایش میدهد ۴۱-آ

امشب در سینما رگس و دیانا

یک درام مژگر و شیرین از داستانهای واقع شده در
امریکای جنوبی

Pelurne to paradis بازگشت به بهشت

محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی یونایتد آرتیست
باشتراک: گاری کوپر هنرپیشه بزرگ و مشهور
داستان شیرین و صحنه‌های رقاصه‌زدگی بومیهای امریکای در این فیلم
فراموش نشدنی است



بازگشت به بهشت

داریوش فیلم و تهیه فیلم ایتالیا ایرانین

اینطور شایع است که مؤسسه داریوش - فیلم که تا کنون با تهیه فیلمهای دوبله شده ایتالیایی و نمایش آن در ایران موفقیت خوبی بدست آورده بزودی دست تهیه فیلم خواهد زد. این فیلم نصف در ایتالیا و نصف در ایران تهیه خواهد شد.

عده از هنرپیشگان ایتالیا و ایران مشترکاً در آن شرکت خواهند کرد. آلکس آقا با بیان بعنوان اولین تهیه کننده پیشقدم تهیه این فیلم بین دو کشور خواهد شد.

البته فیلم بدو زبان فارسی و ایتالیایی و احياناً انگلیسی تهیه خواهد شد.

فیلم استودیو سانترال

میگویند سناریو استودیو سانترال را ایرج مستعان نوشته و سیامک باسی دگو باژ کرده در این فیلم «میرمحسن مهدی» هنرپیشه فیلم شبهای تهران و دزد بندرو همچنین «آزاده» ستاره فیلمهای پایان رنجها و آخرین شب بازی میکند. معلوم نیست این فیلم چه از آب در خواهد آمد ولی تکنیک آن باید نسبت بسایر فیلمهای فارسی بهتر شود زیرا سانترال از لحاظ دستگاه و وسائل غنی است.

استودیو ها تعطیل میشوند؟

بعد از تثبیت عوارض چهل درصد بعضی استودیو های مخصوصاً چیدالتاسیس ها تصمیم گرفتند از ادامه کار خودداری کنند؛ علاوه بر اینکه سرمایه جدیدی برای این کار اضافه نشد، چند استودیو در ظرف چند هفته اخیر بسته شدند و چند تای دیگر نیز در حال تحلیل هستند تا دوباره تعداد چهل استودیو به سهالی پنج تا برسد!

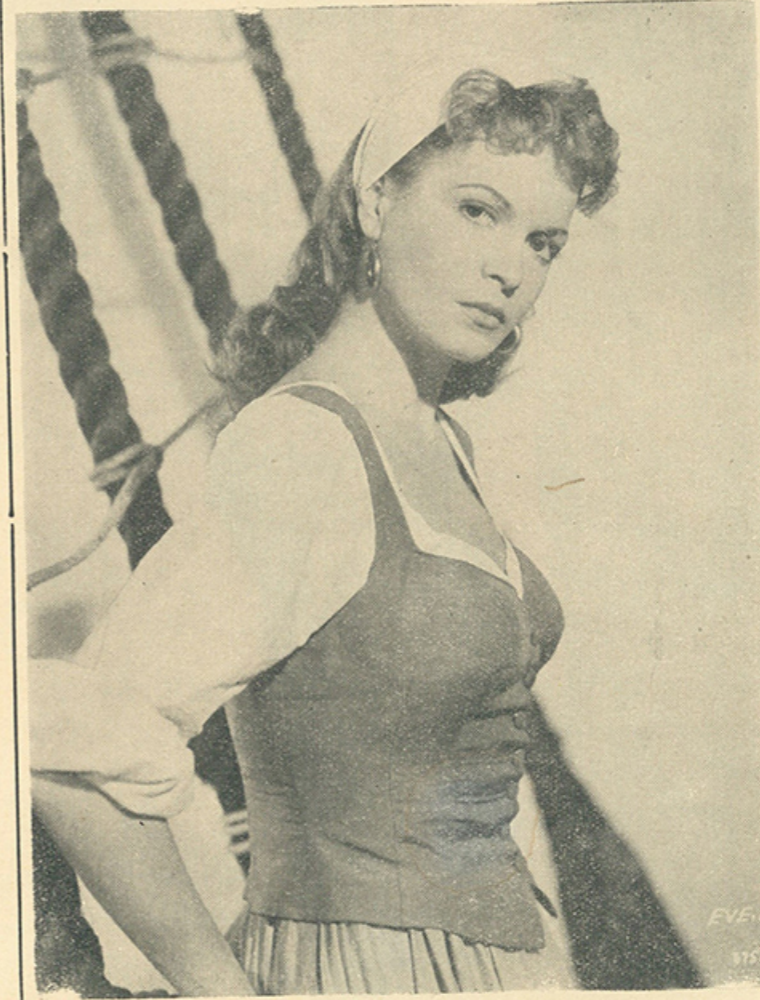
ذره بین سینما

آیا جبهه واحد لاله زار جنوبی تشکیل میشود؟

اینطور شایع است که دوسینمای رگس و ایران برای نمایش فیلم باهم ائتلاف خواهند کرد و از این ببع این دوسینما که رقیب هم بودند فیلمهای بزرگ خود را با هم خواهند گذاشت.

میگویند نمایندگی کمپانیهای خارجی نیز برای این موضوع فعالیت کرده اند سینما ایران با فیلمهای مترو و نیوسال و سینمارکس با وارنر و

عکس هفته



اوا بار توك ستاره فیلم دزد سرخ پوش

یونایتد آرتیست و فیلمهای انگلیسی در صورت ائتلاف غوغائی بپا خواهند کرد. باید دید که این شایعه تا چه حد صحت دارد!! و آیا بهمین زودیها این دوسینما لاله زار را از فشار جمعیت معذور خواهند کرد؟

سینما هما و فیلم فارسی

سینما هما که تا کنون نمایش دهنده فیلم های فارسی بوده است دیگر از فیلم فارسی زده شده و میخواهد سالون خود را بمشتریان هنردوست اختصاص داده و سطح سینمای خود را بالا برد.

بدین جهت از عید امسال ببع سینما هما دیگر فیلم فارسی نمایش نخواهد داد و با وارد کردن مقداری فیلمهای با ارزش درجه

اول ایتالیا و فیلم های کمپانی مشهور فوکس بنمایش فیلمهای دیدنی خارجی خواهد پرداخت. شاید هم زودتر از اینها از نمایش فیلم فارسی منصرف شود.

تارزان در پارس فیلم

چندین صحنه فیلم تارزان سینما کریستال به پاریس فیلم فرستاده شده غالب این صحنه ها مربوط بچنگل و حیوانات میباشد. شاید پارس فیلم میخواهد برای فیلمهای آیتوب لیت از این فیلم استفاده کند؟

سینمای پارامونت

آقای باتماقلیچ که از شرکای سینما متروپل میباشد نزدیک یکسال است که سینمای جدیدی راروبروی سینما تاج میسازند، ساختمان این سینما که پارامونت نامیده خواهد شد. تا عید پیاپان خواهد رسید. گفته میشود که سینما پارامونت یکی از بهترین سینما های پایتخت خواهد بود.



ویر جینیا مایو

هبازی دنی کی در فیلمهای کمدی و ستاره ای که جزئیاتی چیزی نداشت با فیلم «صخره مرگ» استعداد خود را برای بازی در فیلمهای وسترن و درام بخوبی نشان داد و در زمره هنر پیشگان دراماتیک قرار گرفت و هنرپیشه گنم فیلمهای موزیکال باوج شهرت رسید. فیلمهای صحرای سوزان - کاپیتان هوراشیو زن دریای جنوب - معشوقه آهنگین از فیلمهای درجه اول او میباشد

ستاره باوقای کمپانی وارنر اکنون در يك فیلم سینماسکوپ وارنر بازی میکند، او زوج خوبی برای برت لیکستر هم شده است. ویر جینیا علاوه بر فیلمهای دراماتیک و جنائی هنوز در فیلم های کمدی هم ظاهر میشود.

نادیا گری

ستاره زیبای مجارستانی چهارسال است که با سینمای انگلستان همکاری میکند بعد از فیلم «دره عقاب ها» نادیا توانست جای خوبی برای خود در انگلستان پیدا کند؛ او در دو فیلم امریکائی نیز بازی نموده و چند هفته پیش مجدداً وارد لندن شد؛ در آنجا با دوست قدیمی خود کریگوری يك ملاقات کرد. می گویند آن ها باتفاق در فیلمی بازی خواهند کرد.

چند کلمه از:

هنر پیشگان مشهور

اوچندی قبل فیلم «هوس عشق» را باتفاق وان جونسون و تونی مارتین باتمام رساند این فیلم که از بزرگترین فیلمهای تفریحی خواهد بود. استرویلیامز بر خلاف همبازیش وان جونسون شهرت خود را بخوبی حفظ کرده و کمپانی مترو او را ملکه قیلیمهای موزیکال خود گردانید. افسوس که نمی تواند بخواند برقصد!

ویکتور میچر

سامسون بزرگ عمده موفقیت خود را مدیون هیکل ورزیده و بزرگ خود میباشد. پس از فیلم «سامسون و دلایل» او برای ایفای رلهای محصولات بزرگ تاریخی انتخاب شد و بلافاصله نقش دیپتروس را بعهده گرفت.

ریتا هیورت

ستاره لوند اسپانیائی دیگر نامش شهره جهان است، خودش هم جز این چیزی نمیخواهد در اینکه او يك آرتیست سینمائی هنرمندی است تردیدی نیست ولی زندگی خصوصی و عشق بازش با پرنس علیخان و بلاخره شوهرهای متعدد دیگر شخصیت فردی او را باهمال کرده، اینروزها او گرفتار کارطلاق و بچه هایش می باشد. بزرگترین فیلمش سالومه هم نتوانسته موفقیت قبلی او را تجدید کند، دیگر در چهره او آن علامت وزیر کی و بشاشی سابق دیده نمیشود و دیگر فیلمهای مهریوان و طلسم شده تجدید نمی کردند. شاید تا چند سال دیگر ستاره بخت ریتم هم غروب کند



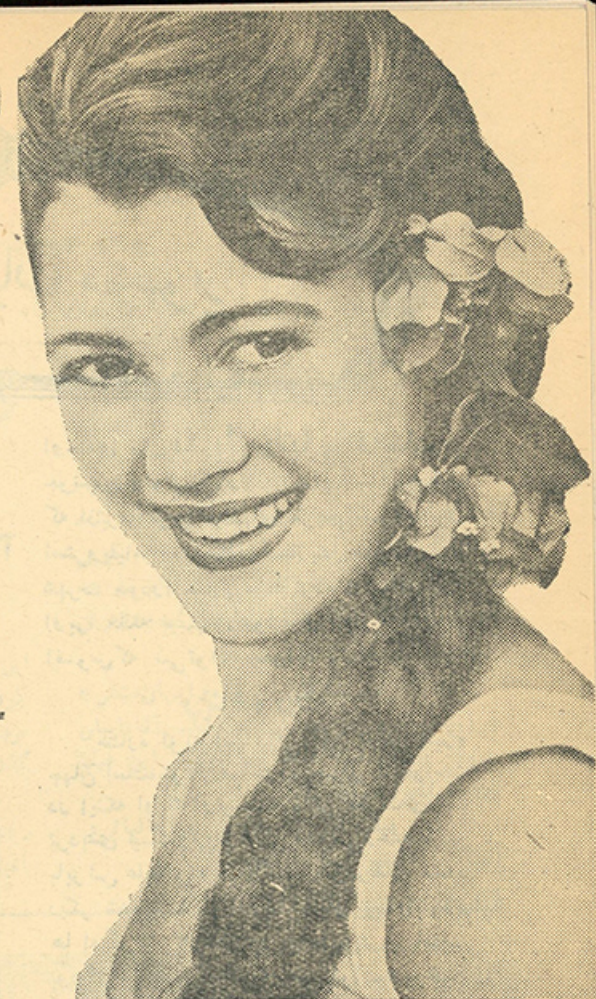
همانطور که مترو نقشهای بزرگ خود را بر بورت تایلور میدهد همان طور هم پارامونت نقشهای بزرگ خود را به میچر واگذار کرده ولی او در فیلمهای فوکس هم بازی میکند. میچر اکنون در لوس آنجلس میباشد

امتر و بلپامز

فقط يك شناساگر! هنرپیشه فیلمهای موزیکال همیشه شنا و زیبایی خود را محفوظ نگاه میدارد او تنها برای فیلمهای تفریحی آفریده شده و تماشاچیان سینما و دوستدارانش چنان عادت کرده که او را با آب ببینند که اگر یکبار در فیلمی شنا نکند طردش خواهند، بعد از فیلمهای کارناوال تکزاس. دوشش آیدا هودو یک میلیون دلار جواهر لازم بود که در فیلم بزرگتری بازی کند.



هیئت تحریریه مجله پیک سیتماژ انویه سال ۱۹۵۵
را بجهوم مسیحیان تبریک میگوید



رابر تاهینس
ستاره فیلم بازگشت به بهشت

اولین فستیوال فیلم در تهران در بهار سال ۱۳۳۰ از طرف روزنامه ایران بعنوان معرفی بهترین فیلمهای سال و نمایش قطعاتی از آن انجام گرفت که در طی فستیوال جوایزی هم بسینماها برای نمایش فیلمهای درجه اول اعطاء شد.

در دنباله این فستیوال برنامه بهترین فیلمها و هنرپیشگان فصل و بعد سال ادامه یافت. در پایان هر فصل بهترین فیلمهای اولین مرتبه ای که در سینماهای تهران نمایش میدادند معرفی میشد.

در پایان سال ده فیلم اول سال بعنوان بهترین فیلمهایی که در طی سال نمایش داده شده اند معرفی میشد و جامی هم بسینمای نمایش دهنده اول سال اعطاء میگردد.

در سال ۱۳۲۹ «جانی بلیندا» بهترین فیلم سال، در سال ۱۳۳۰ «سینکوالا» در سال ۳۱ «اولیور توئیست» در سال ۳۲ «تراوانی بنام هوس» بعنوان بهترین فیلمهای سال انتخاب شدند و در پایان هر سال فستیوالی ترتیب و قطعاتی از فیلمهای عالی و اول سال بعرض نمایش گذاشته شد.

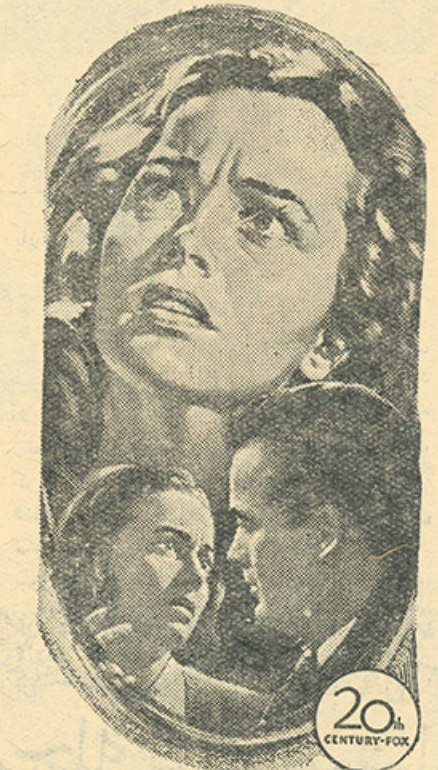
مجله پیک سینما افتخار دارد که دنباله معرفی بهترین فیلمها و هنرپیشگانی که در آن بازی میکنند و همچنین سینماهای نمایش دهنده

بهترین فیلمهای فصل پائیز

مکانی در آفتاب بهترین فیلم اولیویا دو هایلند بهترین ستاره زن و رابرت واکر بهترین هنرپیشه مرد میباشد

سینما ایران نمایش دهنده بهترین فیلمها در پائیز گذشته

بهترین فیلمها را ادامه میدهد. برای تعیین بهترین فیلمها بخش قسمت (موضوع - ایده - بازی - موزیک - دیالوگ) دکوراسیون - فیلمبرداری) و در فیلمهای رنگی برنک آمیزی نمره داده شده و معدل این نمرات امتیاز فیلمها را تعیین میکند و اما برای تعیین سینمای نمایش دهنده بهترین فیلمها فیلم اول ده امتیاز و برترتیب باختری یک امتیاز داده میشود و اینک بهترین فیلمهای پائیز فصل گذشته:



اولیویا دو هایلند
در فیلم گودال مار

بهترین فیلمها
۱- «مکانی در آفتاب» محصول کمپانی پارامونت ۲- «گودال مار» محصول کمپانی فوکس ۳- «یک امریکائی در پاریس» محصول کمپانی مترو ۴- «بازگشت به بهشت» محصول کمپانی یونایتد آرتیست ۵- «بوسه بردستهای خونین» محصول کمپانی یونیورسال ۶- «قاتل فراری» محصول کمپانی پارامونت ۷- «ناشناسی در ترن» محصول کمپانی وارنر ۸- «مرد آرام» محصول کمپانی ربابلیک ۹- «آنا» محصول لوکس فیلم ایتالیا ۱۰- «مجری قانون» محصول کمپانی وارنر

بهترین هنرپیشگان زن

۱- «اولیویا دو هایلند» در فیلم گودال مار ۲- «رابر تاهینس» در فیلم بازگشت به بهشت ۳- «شلی وینترز» در فیلم قاتل فراری

بهترین هنرپیشه مرد

۱- «رابرت واکر» در فیلم ناشناسی در ترن ۲- «ویکتور مک لاکلن» در فیلم مرد آرام ۳- «مونتگمری کلیفت» در فیلم مکانی در آفتاب
بهترین موضوع «مکانی در آفتاب» - بهترین فیلم موزیکال «یک امریکائی در پاریس» بهترین دکور و رنگ آمیزی «یک امریکائی در پاریس» مکانی در آفتاب
شاهکاری بشمار میرود که موضوع قوی، بازی عالی و موزیک متن فوق العاده داشته و بهترین فیلم فصل گذشته است پس از آن بواسطه موضوع و بازی گودال مار قرار میگردد.

ولی از فیلم چهارم بیعد بهترین فیلمهای فصل البته دارای عیوبات و نکات ضعف زیادی هستند و بهیچوجه قابل قیاس با بهترین فیلمهای فصل نمیشد.

در پایان سال بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۳ معرفی و بلافاصله پنجمین فستیوال فیلم برای معرفی فیلمها و اعطاء جوایز انجام خواهد شد.

هنرمندان پشت دوربین ایران
از: ژ. شکوهیان

سامول خاچگیان

با کارگردانان فیلمهای بازگشت، دختری از شیراز و چهار راه حوادث آشنا شوید

مقدمه

همیشه در مجلات تهران رسم شده که درباره هنرپیشگان ایرانی قلمفرسایی نموده؛ و با هو و جنجال هنرپیشگان را باوج ارشد برسانند و نام خدائی بآنها بدهند، از خصوصیات زندگی و سخنان آنها (مانند کلمات قصار) گفتگو کنند

از شاهکارها و فیلمهای آنها سخن بگویند و اینطور وانمود کنند که ارزش و وجودیت فیلم تنها بیازی آنها بستگی داشته است در حالیکه فیلم را کارگردان بوجود می آورد و با وجود اینکه در ایران اصول معینی برای کار سینما انتخاب نشده

ولی نمی توان فراموش کرد که حساسترین کار فیلم بدست کارگردان است و گرچه ما از لحاظ کارگردان فوق العاده فقیر هستیم و اشخاصی که نام کارگردان بخود میکنند از آن جز مستخره کردن خودکاری انجام نداده اند ولی باز هم نباید فراموش کنیم که در وجود آوردن یک فیلم کارگردان رل مؤثری را ایفا میکنند و مادر عروس و جنجال در باره هنرپیشگان سعی خواهیم کرد که هنردستانی را که باعلاقه و استعداد زیادی در رشته تخصصی سینما کار میکنند معرفی نماییم. و اینک اولین مقاله...

...

خاچگیان هنرمند جوان در سال ۱۳۰۳ در تبریز متولد شد و برای تحصیلات بهتر آمد و در تهران بتحصیل ادامه داد بعد از اتمام تحصیلات متوسطه در رشته ادبیات فارسی و بین المللی شروع به مطالعه نمود

بعد از مدتی بعلمت علاقه زیاد به رشته تاریخ و تاریخ طبیعی به مطالعه این رشته پرداخت و تا امروزه هنوز به مطالعه این دو قسمت مشغول است و در ساعات بیکاری باعلاقه فراوان مشغول مطالعه میگردد

و در ضمن رشته ژورنالیزم و داستان نویسی را بوسیله نامه توسط ادانشگاه ریجنت انستیتولندن و کارگردانی را بوسیله نامه توسط هنرستان پاسا دنا امریکا یاد گرفته اند

تجربیات زیادی با چهار سال کار در آثار بدست آورد و از سال ۱۳۲۹ کارگردانی فیلم را شروع و از سال ۱۳۳۱ بنا بدعوت مدیر

بها مینویسند

با نوب آقای ح- نادره می نویسد: خواهشمند است توضیح دهید که در روی برده سینما بوسه هائی که زوجهای سینمایی از هم بر میدارند آیا لبهای یکدیگر را می مکند یا اینکه مانند مادر و فرزند ماچ و بوسه میکند؟

پیک سینما:

حقیقتش را بخواید لبهای یکدیگر را برادرانه و خواهرانه می مکند، اما گاهی اوقات این بوسه ها بشق و ازدواج منتهی می شود. عجب شما بچه چیزها فکر میکنید!! هنرپیشگان باید باتوجه بنقشی که ایفا می کنند عملیات خود را از جمله بوسه را هم انجام دهند.

••• یک نامه از دو نفر بنام مستعار (ج.پ) و (ا.ن) ماشین کرده و خیلی تمیز بدقتر مجله رسیده نویسندهگان نامه بعد از تبریک و ابراز علاقه فراوان نسبت بمجله پیشنهاداتی کرده و ضمناً شعری را بعنوان هدیه برای هیئت تحریریه فرستاده و تقاضای درج آنرا نموده اند.

در باره پیشنهادات شما خودتان مطالب مورد علاقه را تنظیم کرده و برای نمونه برای ما بفرستید ولی در باره تنظیم مطالب مجله بصورت نظم که فکرمی کنیم کار غیر عملی و علاوه نامناسبی باشد. بخاطر شما شرارسالی شما در باره مجله را چاپ میکنیم:

دلم گرفت ز توقیف ای مجله زیبا
هزار شکر که رستی ز زجر و آفت دنیا
هزار شکر که ای سنبل مجله ایران
تو آمدی و رهانندی مرا ز غم و بدبها
تو آمدی و ز گفتار نغزت ای گل چمن آرا
بخنده گفت که بلبل بروی شاخه گلها
بخنده گفت ز تبریک آمدن گل خوش رنگ
بفصل پر بر سر کپ روی شاخه دیبا
تو ای مجله زیبا مدار دست ز کوشش
که تا تو نیک ز دانی غم و هم از دلها
بیاد کوشش تو گفته دوستان تو نیکو
خدا حافظ و راضی ایسا مجله زیبا
خوانندگان عزیز ما نامه های مفصل شمارا
در این ستون پاسخ خواهیم داد، مشکلات و افکار خود را در باره سینما با مادر میان بگذارید. اگر مطالبی دارید برای ما بفرستید و تنها تقاضا داریم نام و فامیل و آدرس منزل خود را بطور صحیح و صریح مرقوم بفرمائید والا از جواب بسئوالات معذور خواهیم بود



استودیو دیانا فیلم شروع بکار و تا کنون فیلمهای «بازگشت» «دختری از شیراز» را تهیه کرده است و فیلم دیگر ایشان چهار راه حوادث است که بزودی بعرض نمایش گذارده خواهد شد.

خاچگیان همیشه در حال فعالیت است او سعی میکند و میخواهد با همکاری دیگران سطح فیلمهای فارسی را از نظر فنی و هنری بالا برده و بتواند علیه آنهایی که فیلم را بصورت خیمه شب بازی و بقالی و تجارت در آورده اند مبارزه کنند.

خاچگیان معتقد است که: با اینکه عدم وسائل در موفقیت و شکست یک فیلم نقش بزرگی را بازی میکنند ولی بزرگترین مسئولین شکست یا موفقیت فیلمهای فارسی گردانندگان امور فیلم میباشند

اگر صاحبان استودیوها و تهیه کنندگان از فکر (خرج کمتر منفعت بیشتر) چشم پوشند و از خرج مضایقه نمایانده اهمیت و ارزش کارگردان و هنرپیشه و کادرفنی را در نظر بگیرند

خلاصه از سیاست سمبلیزاسیون دست بکشند حتما فیلم فارسی پیشرفت خواهد کرد ولی در بقیه در صفحه ۹



هلن بانتقامجویی برمی خیزد.

هلن در ترویا شاهکار تاریخی از افسانه های قدیمی که با شرکت هدی لامار در ایتالیا تهیه شده است.



از قرار معلوم در همین سال کهنی وارد ترویا می شود و هلن در ترویا نیز اثری متشابه با آن می باشد که در آن اوصاف مردانگی و شجاعت و زور بازو و همچنین صفات و هوس های زنان گفتگویی می نماید.

افسانه های هومر بیشتر مربوط به جنگ های آن زمان و شجاعت مدافعین و خشونت متجاوزین بوده است و در طی آن در لافاه پهلوانی و جنگ آوری از انسانیت گفتگو می شود.

سینمای ایتالیا برای ایفای نقشهای اول در فیلم هلن در ترویا و فیلم «هدی لامار» ستاره قدیمی و مشهور را انتخاب نکرده، هدی لامار با وجود اینکه بیش از چهل سال داشته و دیگر از طراوت و لطافت در او اثری نیست با همه این مانند یک زن جوان و زیبا دل خود را بخوبی ایفا میکند و هنوز و چه بازی خود را از دست نداده در مقابل او را در این فیلم «ماسیو ژیر وتی» هنریشه فیلم لوکس بورژوا ایفا می نماید.

از قرار معلوم در همین سال کهنی وارد ترویا می شود و هلن در ترویا نیز اثری متشابه با آن می باشد که در آن اوصاف مردانگی و شجاعت و زور بازو و همچنین صفات و هوس های زنان گفتگویی می نماید.

افسانه های هومر بیشتر مربوط به جنگ های آن زمان و شجاعت مدافعین و خشونت متجاوزین بوده است و در طی آن در لافاه پهلوانی و جنگ آوری از انسانیت گفتگو می شود.

سینمای ایتالیا برای ایفای نقشهای اول در فیلم هلن در ترویا و فیلم «هدی لامار» ستاره قدیمی و مشهور را انتخاب نکرده، هدی لامار با وجود اینکه بیش از چهل سال داشته و دیگر از طراوت و لطافت در او اثری نیست با همه این مانند یک زن جوان و زیبا دل خود را بخوبی ایفا میکند و هنوز و چه بازی خود را از دست نداده در مقابل او را در این فیلم «ماسیو ژیر وتی» هنریشه فیلم لوکس بورژوا ایفا می نماید.



هدی لامار و ماسیو ژیروتی در صحنه ای از فیلم

تاریخچه مختصر استودیو مترو گلدوین هایر



سینمای ناطق

بر خلاف انتظار مردم، سینما اصولاً بطور ناطق اختراع شد و با این ابتکار شکل میتوان گفت معجزه ای بوقوع پیوست. پس از این اختراع ستارگان مشهوری چون (دورتی گیش) و (لون جانی) و (جون گرافورد) توانستند در صحنه های که ظاهر شدند آواز بخوانند و حرکات لب و دهان آنها مشاهده و صدای خفیفی بکوش برسد.

اولین فیلم ناطق در سال ۱۹۲۸ بوسیله کپانی «برادران واتر» تهیه و بنام (خواننده جاز) در سینماهای معروف آمریکا به نمایش گذارده شد و این فیلم موفقیت و معروفیت عجیبی بدست آورد.

عمل این کپانی باعث شد که استودیو «مترو گلدوین هایر» نیز با عجله به تهیه فیلمهای ناطق پردازد و با تبلیغات و اعلان های پرسرو صدا این کشف جدید را رواج دهد.

با شروع فیلمهای ناطق استودیو «مترو گلدوین هایر» فیلمهای مجلل و عالی، درامهای عینق اجتماعی و کمدهای ساده، داستانهای عشقی و فیلمهای حادثه ای و جنایی و بالاخره فیلمهای موزیکال سراسر رقص و آواز تهیه نمود.

بعضی از این فیلمها سروصدای زیادی در آمریکا براه انداخت، مثلاً فیلم (ستاره شمال) که توسط (ساموئل گلدوین) تهیه شده بود با داشتن صحنه های باروح و موضوع ماهرانه هنری بعنوان یک شاهکار جهانی شناخته شد.

فیلمهای با اهمیت دیگری مانند (بهترین سالهای زندگی ما) و (شوق) (وزن ایده آلی) و درامهای بزرگ اجتماعی مانند (قدرت عشق) و (قلب دیوانه من) می باشد که هرگز از خاطر تماشاچیان سینما محو نخواهد شد.

فیلمهای عشقی (مال خود ما) و (دوباره کوچک) و فیلمهای قهرمانی (سرجد شوم) و فیلم های کمدهای (شیر فروش قهرمان) و (برنس دزد دریایی) و (درشکه بسی اسب) و (کار ناوال تکراس) خاطره خوشی در ذهن مردم باقی گذاردند.

بعلاوه فیلمهای موزیکالی چون (مهر و یان شنکر) و (دختر نیتون) و (آسان برای ازدواج) و (استخر مردین) و بالاخره در همین هفته اخیر فیلم (دوشس آیدا آهو) از بد و پیدایش سینمای ناطق تا با امروز در استودیو «مترو» تهیه گردیدند.

استودیو «مترو گلدوین» در سال ۱۹۵۰ تخصص خود را نسبت به فیلمهای موزیکال بعالم سینما نشان داد و با تهیه فیلم مجلل (یک آمریکایی در پاریس) که موفق باخذ جایزه اوسکار گردید برای تماشاچیان بهترین فیلم موزیکال محسوب میشد.

تهیه کنندگان و کارکنان معروف

تهیه کنندگان: ساموئل گلدوین، سام زیمالیست، جو پاسترانک، ملوین فرانک، جورج کاکر، دون وایس، و سنت مینلی، ریچارد بروکس، رابرت آلدریچ، گرالد مایر، رابرت. ز. لئونارد، ادوارد بازل، آلن داوینس.

رژیسورها: ریچارد تورپ، پاندر. اس. برمان، مروین له روی، الیزابت کوبز، گرلین سیکاردی، جوزف لوئیس، چارلز والترز، استانی دوون، جان استراکر، تالی کرانت، کر تافولکر، لسللی کادواز.

نویسندگان: جوی لیل، سیلویا تاپر، چارلین ماتدویز، دورتی بارت، رونالد میلار، هادی بودن دورتی کنیکسلی.

طرح لباس: هلن روز، دورتی پارتسون، موزیسین: سیگوند روبرک، اوسکار لوانت رودلف فریمل، هربرت استوتارت، هادی وادن.

فیلمبرداران: کلرانس برون، جوی میلی، فرناندو شیاری.

آمار کلی فیلمهای این استودیو

در اینجا بدینست کل تعداد فیلمهایی را که تاکنون در استودیو «مترو گلدوین هایر» تهیه گردیده نام ببریم.

بطور کلی تا امروز ۱۲۰۰ فیلم کامل در استودیو «مترو» ساخته شده این رقم را نمیتوان کاملاً صحیح و مسلم دانست ولی حد متیغ در مورد فیلمهایی که در استودیوی مزبور تهیه شده صحیح تر از این رقمی نمیتوان یافت.

این تعداد فیلمهای تهیه شده را میتوان بهفت طبقه تقسیم نمود که فهرست آنها به ترتیب ذیل است:

طبقه اول فیلمهایی که اجلا (فیلمهای موزیکال) نامیده میشوند و عبارتند از فیلمهای سراسر رقص و آواز و کورهای مجلل و موزیک های جالب (یک آمریکایی در پاریس) و (دختری که همه چیز دارد) و (عشاق لاتین) این نوع فیلمها شامل ۴۸۰ فیلم است.

طبقه دوم گروه فیلمهای (قهرمانی) که شامل

۲۷۰ فیلم از انواع آنها (دره انتقام) و (مهبیز برهنه) و (سیر کهای جنگی) قابل ذکرند

طبقه سوم فیلمهای (جنایی) است که شامل ۹۰ فیلم می باشد و از بهترین آنها میتوان (فریاد ترس) و (پنج سیاه) و (محاصره بزرگ) نام برد.

طبقه چهارم فیلمهای (جنگی) می باشد و شامل ۱۵۰ فیلم هستند از میان این فیلمها (حادثه دوی کیل) و (جنگل عربان) و (واکوارو) را میتوان بحساب آورد.

طبقه پنجم فیلمهای (اخلاقی و اجتماعی) است که نسبتاً از همه کمتر بوده و شامل ۷۰ فیلم است فیلمهای (هیئت مجریه) و (ستاره شمال) از این طبقه می باشد.

طبقه ششم فیلمهای نوع (کمدهای) که شامل ۸۰ فیلم می باشد مانند (لوطی) و (مرد عجیب) و (سرگذشت عجیب والتریستی).

طبقه هفتم شامل ۶۰ فیلم (تاریخی) است که از مهمترین آنها میتوان (ژولیوس سزار) و (زندانی زندان) و (کچامیرو) را نام برد و ضمناً فیلمهای (کنجهای حضرت سلیمان) و (موگامبو) را هم میتوان جزء این طبقه محسوب داشت.

ماه گذشته کپانی فیلمبرداری «مترو گلدوین هایر» جشن ۳۰ ساله سینمای را بر پا کرد و شش فیلم زیبا بعنوان عالی ترین محصولات نیمه اول سال ۱۹۵۴ خود معرفی نمود.

۱- فیلم درام عشقی و جنایی (بدک کش طویل) با اشتراک: (لوسیل بال) و (دیسی آرنز).

۲- فیلم تمام رنگی تاریخی و قهرمانی (سعدیه) با اشتراک: (ریتا کم) و (کرل وایلد).

۳- فیلم تمام رنگی و «سینما سکوپ» (بریکادون) با اشتراک: (جن کلی) و (سید چاریس).

۴- فیلم اجتماعی و هنری (هیئت مجریه) با اشتراک: (بار بارداستانویک) و (فرردیک مارچ).

۵- فیلم تاریخی و تمام رنگی (ولخرج) با اشتراک: (لاناتر) و (وادموند بردام).

۶- فیلم تمام رنگی و موزیکال (هفت عروس برای هفت برادر) با اشتراک: (جین پاول) و (هوارد کیل).

زندگی چارلی

فیلمهایش و زمانش

-۴-

مالخولیائی که چنین منظومه خاطراتی از خود باقی گذارد، این حادثه واقعی در یک فیلم چارلوغالبا بر چارلز چاپلین مقلد و کم‌دین دسته کارنو تسلط داشت...

مقلدی که ابتدا توسط یونانی‌ها و رومی‌ها بوجود آمده بود در زمان لوئی چهاردهم بصورت بالتهای بزرگ و با اسلوب درآمد اما شکل عامیانه آن آتپورها از میان نرفت در ۱۸۳۰ بوسیله گاسپارد دو بورو در فرانسه و در ۱۸۹۰ بوسیله دان لو در انگلستان وبشکل قابل تحسین در شخصیت چارلز چاپلین تجدید حیات کرد.

در دسته دان لو از میان Water Rats «رگه موشها» از همه جالبتر لیتل تیج بود «عامیانه تر از برنس دوکال» این یک مرد خیلی کوچولوئی بود که کفش‌های دراز تمام نشدنی پیاداشت و از آن برای نمایش بی‌اعتمادی به قانون توازن استفاده میکرد لباس عادی او لباس یک ولگرد بود بفرم دراز وقتی که لیتل تیج بعد از جنگ به پاریس آمد بعضی از روی نادانی او را به تقلید از چاپلین که این یکی از معلمین او بود محکوم کردند.

قبل از آنکه دسته برافتخار Vatel Rats از هم پیاشد فردکانو دسته رقیب Birols Mumming پرنده‌گان خاموش را بوجود آورد سیدنی بعد چارلز چاپلین وقتی که داخل دسته فردکارنو نشدند نمایشات خود را در کامبرول حوالی لندن در طرف راست با کمی فاصله از جنوب لامبت تکرار میکردند پادشاه موزیک‌ها در نزدیکی ایستگاه مانک سه ساختمان بزرگ کهنه و مغازه هائی پرازانبوه البسه لوازم و دکور بود.

سن‌های زیاد تحت اختیار کم‌دین‌ها برای تمرینشان بود کالسه خانه‌ها کالسه‌هائی که به فردکارنو تعلق داشت در خود جامیدادند این کالسه‌ها بکار آوردن و بردن دستجات کم‌دین از موزیک‌هالی به موزیک‌هالی بودند سیدنی و چارلز در این کارخانه خنده روزها میکردند تا با کمک آکرو باتها، رقاص‌ها، خوانندگان

شده‌اند یا بخاطر کشیده ولگد و تارت کرم‌دار... مسخرگی انگلیسی مالک وزن غیر قابل تصویری است و محققا بوسیله ترکیب بوجود می‌آید همه چیز میزان شده جمع‌آوری شده و تمرکز یافته است همه چیز مانند ضربه یک بکسور با استیل به تحقیق فرود می‌آید و مثل تیرتوپ و بطور غیر منتظره میترکد

نمایشات کارنو غالباً تمام طول شب دوام می‌یافت اما مکالمه مطابق قوانین مطلق موزیک حال انگلستان نمی‌توانست بیش از بیست دقیقه وقت بگیرد پس آکتورها بی‌بایستی مطالب اساسی را با حرکات خود بیان کنند

در مدرسه‌ای که چارلز چاپلین کلاس‌های خود را می‌گذراند قدرت اساسی کم‌دین در برخورد به موانع بود کم‌دین‌های کارنو و سیسیو مدرن با بهت مضحکی تخته سنگی را با تمام قوا حوصله و هوس خود تقریباً به قله یک نشیب میکشیدند بی‌نیست سبج زیر پنجه‌های خود حس میکرد که پیانو خورد میشود آوازه خوان فریه خیلی تشریفاتی با حالتی که بکار یک ابرای بزرگ بخورد خود را آماده میکرد بی آنکه صدائی نتواند از حلقوم‌اش خارج گردد دزد ناشی در درحالیکه ظروف و اثاثیه را میشکست پلیس را خبردار میکرد شراب خوار اجتناب ناپذیر در مبارزه با پله‌ها مغلوب بر میگشت...

در این مسخرگی که موضوع‌اش ایجاد یک مبارزه فاتحانه بود چیزی خارج از طبیعت وجود نداشت توپ‌های سفید و قرمز بیلبارد از جلوی بازی‌کننده فرار میکردند و مقابل دیدگان مست آراسته‌ای که شب دیر به خانه رفته بود پوست خرس جان میگرفت از تخت بزم می‌آمد و تبدیل به درنده‌ای میشد و جنتلمن بد بخت را قطعه قطعه میکرد هیچکس بنظرش نمیرسید که برای او بگیرد مسخرگی در سبوعیت بی‌سبب آوازه‌های کودکانه شکل میگرفت.

بزودی

جلد دوم گمان رنگین

سینما

حاوی معرفی و تجزیه و تحلیل کامل فیلم‌های سال، معرفی بهترین هنرپیشگان، شرح میزان موفقیت فیامها در تهران، بررسی استودیوهای ایرانی و... بقلم طغرل افشار

منتشر خواهد شد



یک اختراع نو در تکنیک سینما



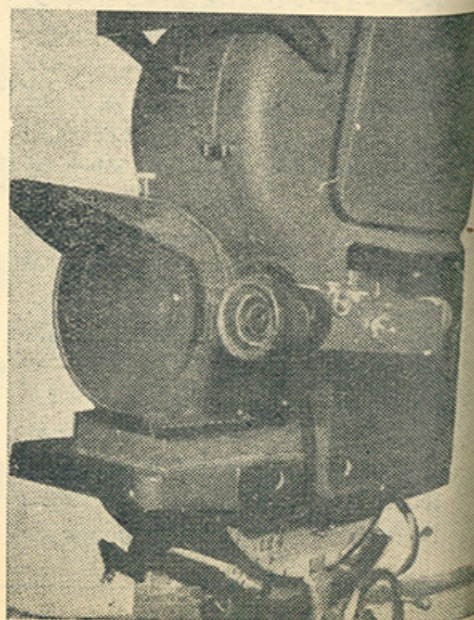
در حال وارد اصل موضوع شویم: یکی از تکنیسین‌های امریکائی بنام مایکل تود متعلق بکمپانی «آمریکن اپیکال» دست به ساختمان دوربین فیلمبرداری تازه‌ای زده که فیلم آن دارای عرض ۶۵ میلی‌متر بجای ۳۵ میلی‌متر است

در هنگامیکه نوار عکس متحرک سازان وطنی ما «معتقدند»: با هم‌وسایل موجود فعلی: «میتوان بکار ادامه داد» و همه‌جا می‌گویند: «ما که خودمان میتوانیم همه چیز بسازیم چرا از خارج بخریم؟» دنیای مترقی و سینمای واقعی که میتوان بدان هنر، با صنعت و با اقل تجارت سالم و بی‌خنده، نام نهاد، در فکر تحول و تکمیل وسایل کار خویش است. نوار عکس متحرک سازان میگویند: «ما همه چیز داریم. افراد هنرمند و بصیر داریم. تکنیسین‌های مطلع داریم. وسایل کار هم داریم و دیگر احتیاجی بدیگران نداریم.» تهیه‌کنندگان فیلم سینما میگویند: «تاکنون هر که، و هر چه داشته‌ایم کافی نبوده باید سعی کنیم بس از این بهتر و بیشتر داشته باشیم»

اما بهتر است بیش از این در این مورد اصرار نکنیم، چه «تئوریسین» های نوار عکس متحرک سازی عقیده دارند که: «سینمای ما در مقابل سینمای آنان مثل طفل هفت ساله در مقابل مرد پنجاه ساله است.»

اما، معلوم نیست چرا سینمای مکزیک، برزیل، اسپانیا یا مجارستان مشمول تئوری این آقایان نگردیده‌است،

دوربین فیلم برداری «تود - آو» با ذره بین ۱۲۸ درجه و ویزور زاویه بزرگ - در این دوربین فیلم نکاتیف ۶۵ میلی‌متر می‌گذارند



میتوان فیلمهای ۳۵ میلی‌متر و ۷۰ میلی‌متر نمایش داد (تصاویر ضبط شده توسط دستگاه فیلم برداری جدید، روی نکاتیف ۶۵ میلی‌متر است و در چاپ آن را ۷۰ میلی‌متر مینمایند) چنانچه بعضی مطبوعات فنی سینمائی اطلاع می‌دهند در نظر این چندین فیلم توسط این نوع دوربین تهیه شود.

برده‌ای که برای نمایش این فیلم بکار می‌رود همین برده «سیناراما» خواهد بود منتها، بجای سه فیلم که توسط سه دستگاه نمایش روی برده منعکس میگردد فقط بایک دوربین نمایش به برده فرستاده میشود.

پرروز: اگران پانورامیک - دیرور: سیناراما، سیناسکوپ؛ وستاویزیون-امروز کاراتود - آو

فردا: بدون شک شگفتی‌های تکنیک دیگری هترو صنعت سینما را تحول میدهد.

طبق «منطق» «تئوریسین» های سینمائی ما و با مراجعه بقایسه کودک هفت ساله و مرد پنجاه ساله، نمونه‌های تکنیک جدید سینمائی درست ۵۳ سال دیگر به کشور ما خواهد آمد.

فیلمهای تازه جهان

••• (آن بانکفورد) هنرپیشه با استعداد که برای اولین بار در فیلمهای (خرقه) و (دیمتریوس و گلادیاتورها) بروی برده آمده هم اکنون در کمپانی «فوکس» مشغول با تمام دستانیدن فیلم تمام رنگی (کینگ کنگ بزرگ) میباشد.

••• در کمپانی «مترو گلدوین مایر» یک فیلم قهرمانی دیگر در دست تهیه است که (تسلیم بدشمن) نام دارد و سه هنرپیشه کار آزموده و محبوب (کلارک کیبل) و (لاناتر) و (ویکتور میچر) عهده‌دار نقش‌های حساس این فیلم هستند.

••• (تیری در غبار) نام فیلم جنائی است که بیشتر بقلم (قاتل فراری) شباهت دارد، در این فیلم (استرلینگ هابین) و (کلوین کاری) برای اولین بار ظاهر میشوند، فیلم تمام رنگی (تیری در غبار) در کمپانی «آلابد آرتیست» تهیه میگردد.

فیلم پوزیتیف ۷۰ میلی‌متر که دارای ۷ بیست ضبط صوت خواهد بود

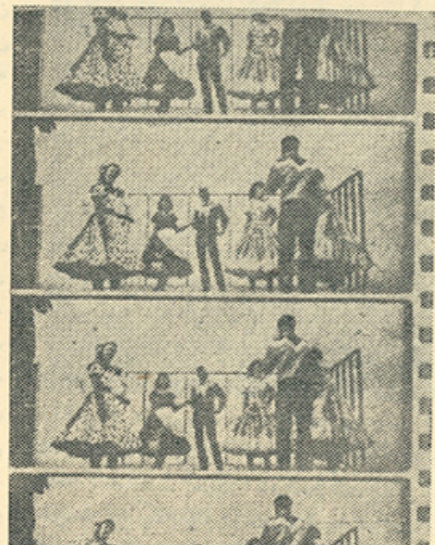
(باید دانست که در سال ۱۹۰۰ دو نفر سازنده دوربین های اپتیک در فرانسه ب فکر ساختمان چنین دستگاه فیلمبرداری افتادند)

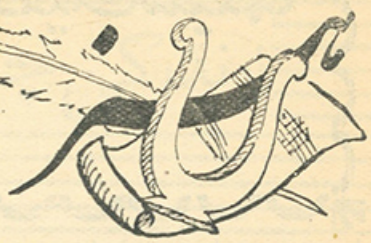
نام این دوربین نوساز Todd - Ao - Newest Ws. System میباشد و سرعت حرکت نوار فیلم در آن از ۲۴ تا ۳۰ تصویر در ثانیه است.

در فیلمبرداری این نوع فیلم‌های عریض، از دو دستگاه استفاده میشود، یکی مجهز به ذره بین دارای زاویه افقی ۱۲۸ درجه، و دیگری دارای سه ذره بین به ترتیب ۶۴، ۴۸، ۳۷ درجه زاویه افقی؛ میباشد.

بطوریکه کارشناسان فنی اظهار میدارند امتیازات نمایش این فیلم از لحاظ فنی بر مراتب بهتر از فیلمهای ۳۵ میلی‌متر عادی است.

مؤسسه فیلیس دستگاه نمایش خاصی جهت نمایش فیلمهای «تود» ساخته که توسط آن





موسیقی با روح و جسم من ترکیب شده است

۲۰

علاقهٔ بموسیقی و هنر در یک سن و سال معینی در من بوجود نیامده از طفولیت اسیر عشق موسیقی بوده‌ام... در خانهٔ ما آن زمانها که گرامافون تنها وسیلهٔ استفاده از موسیقی بود دل و روح من که بچه کوچکی بیش نبودم سر مست از آوازه و صوت خوش خوانندگان آنوقع میکردیم و هنوز که هنوز است بیاد دوران کودکی هر وقت صفحه‌ای از این خوانندگان قدیمی میشنوم احساس لذت مخصوصی نموده و با احترام فوق‌العاده با آواز و اشعارشان دقت میکنم. پس از زمان کوتاهی رادیو وارد و سرو صدای بی‌آورد من نیز در مدرسه‌ای بنام الوند نام نویسی کردم خوب بیاد دارم که کلاس دوم ابتدائی بودم بین راه مدرسه و خانهٔ ما خانه‌ای بود که یکی از اطاقهای آنرا که بوسیله پنجره‌ای که بکوچه باز میشد اختصاص بشق موسیقی داده بودند. زیرا هر بار که من از پشت آن اطاق میگذشتم صدای ساز دلچسبی که بسبک قدیم زده میشد بگوش میرسید و از صدای اشخاص درون اطاق نیز معلوم بود که دوسه نفر مشغول‌ترین استفاده هستند این اطاق وسیله و پایگاه خوبی شده بود که من اغلب از مدرسه بگریزم و در بای دیوار آن بای پنجره مانده عاشق دلخسته‌ای تکیه بدیوار داده و بیخبر از همه جا دل بصدای سازیکه بگوش میرسید خوش دارم. مدت‌ها این روش و شیرین راه بهترین تفریح و لذت من بود حفظ میکردم و مرتب بعد از ظهرها از خانه با کیف و کتاب و تمام لوازمات تحصیل بر راه افتاده یکسری بای دیوار محبت قرار می‌گرفتم و بهمین طریق پس از قطع برنامهٔ درون اطاق بغانه میرفتم...

میرفتم اما بایک حال مستی و نشاط با یک دل راضی بایک لذت و افراما این بساط چندان نپایید زیرا یکی از شاگردان فضول‌مدرسه خبر گذاری کرده و با جریمه ۲۰ عدد مشق برنامهٔ ما را بهم زدند سالها گذشت و اما این علاقهٔ همچنین در من وجود داشت و روز بروز قوت می‌گرفت در برنامه‌های موسیقی مدرسه نمرات عالی سرود و نت همیشه باین بود از دبستان الوند بدبیرستان پروین رفتم در دبیرستان پروین دختران بانشاطی بودند عجیب است در حالیکه این دبیرستان مانند نوربخش و شاهدخت‌داری وسائل هنری و تحصیلی زیاد نبود معنادار و استعداد عجیبی داشتند در صورتیکه شاگردان

مدارس دیگر از این وسائل قطع استفاده بصری میکردند و میدانستند مثلا یک سالن و یک پیانو دارند اما برای چکار؟ مهم نبود. در هر حال در کلاس هشت‌خانمی بنظام دبیرستان منصوب شدند بنام لطیفهٔ ادیب‌افان این خانم ضمنا دبیر فیزیک و شیمی ما بودند و روی حسن اخلاق و سواد کافی مورد احترام و علاقهٔ فراوان شاگردان از جمله من بودند خانم ادیب‌اف وقتی بنظافت تحولی در وضع دبیرستان ایجاد کردند و یک نظارت دیکتاتوری بر پا نمودند که برای همه دبیران تازگی و برای شاگردانی امثال ما که از در و دیوار بالا میرفتیم و مدرسه از مداراحتی نداشت قدری دشوار بود از بیعت میبایستی تحت یک شرایطی در محیط مخصوصی بازی کنیم در یک جای همین آب بخوریم و در یک محیط دیگری درس بخوانیم و دست از پا خطا نکنیم و بگل و گیاه نیز کاری نداشته باشیم. روی این پیش آمد من یک قطعه شعر فکاهی ساخته و برای ساعتی که متعلق بمطالعه و مکالمه بود حاضر کرده و در حضور ایشان خواندم در میان شاگردانیکه همه احساسات خود را در دو نشان حبس کرده بودند من با اینکه از حدود آنها تجاوز کرده و بدینوسیله انتقاد مؤذبان‌های کردم و دبیر ما نیز عکس‌العمل عجیبی نشان داد و بقدری ازمین تشویق و تمجید نمود که نمیدانستم در زمین هستم یاد آسمان سپر میکنم... بله برای شاگردان و محصلین یک تبسم دیر و آموختن گار آقدر قیمت و لذت دارد که نگفتنی است وقتی یک معلم بشاگردی محبت میکند باید بداند که با سر نوشت او سرو کلادارد با روح او بازی میکند و بانسان دادن حسن اخلاق و گاهی یک تعریف بجا تا چه حد در پیشرفت دانش آموز مؤثر است چه بسا اطفال و جوانان که روی احساسات شدید خود در اثر بدخلقی و باسرنش و تنقید زنده آموزگار خود دست از تحصیل و درس خود برداشته و یا با روحیهٔ ناراحت و دل‌سرد بدرس ادامه می‌دهند. و بهمین طور بکس یک تعریف و تشویق ممکن است که بقدری در شاگرد موثر و مفید واقع شود که یک انرژی مداوم با او بدهد و شاگردیکه دلش مملو از محبت دبیر خوش است دیده شده که چگونه برای او سرودست میشکند و فعالیت میکند که رضایت او را بدست آورد البته اینها مبحثی است که در جای خود بسیار سخن میتوان گفت. در هر حال مقصود اینست که در حال حاضر

فیلم‌های نازه جهان

من هر وقت فکر میکنم می‌بینم که تا چه حد تشویق و تمجید بر من در رسیدن من بعالم هنری مؤثر بوده از آن بیعت یکی از کارهای مهم من شعر ساختن و انتقاد از کارهای مدرسه و دبیران بود که همیشه با استقبال شدید روبرو میشدم کم با توافق شاگردان مدرسه بکار تنظیم و ترتیب برنامه‌های نمایشی و تربیتی مشغول شدم و انجمنهای مختلف تشکیل دادیم که ریاست انجمن موسیقی با من بود انجمن ما با گرمی عجبیبی کار میکرد و همه شاگردان با علاقهٔ بینظیری در پی وسائل آن فعالیت میکردیم و هر پانزده روز یکبار برنامه جالبی بشاگردان و خانواده‌هاشان نشانی میدادیم خود من نمیخواهم تعریف کنم که تا چه حد موفقیت قابل توجه بدست آورده بودیم و تا چه حد مردم از ماتشویق میکردند همینقدر میگویم که خیلی‌ها در آنوقت که من هنوز شاگرد مدرسه‌ای بیش نبودم فکر میکردند که من جتاد در یک مؤسسه هنری کار کرده‌ام در صورتیکه غیر از آن بودم. جوائز متعددی بیاد کار دارم که بیشتر متعلق بدرون مدرسه است. تشویقها بالاخره کار خود را کردند و من در کلاس نهم اوائل سال یک روز که در مجلهٔ تهران مصور اعلان برای علاقمندان بهنر داده بودند دوپا را در یک کفش کرده از پدر و مادرم خواستم که بورود من بتأثیر تهران اجازه بدهند پدر و مادرم با وجود اینکه خود مرتب از برنامه‌های تأثیر تهران استفاده میکردند و اصولا بهنر علاقمند بودند با عقیدهٔ من سخت مخالفت کردند و روی موفقیت هنریشکی در ایران و نظریات مردم ساعتها با من صحبت کرده سعی میکردند مرا قانع و منصرف نمایند اما من منکه دلم لیریز از علاقه بود هرگز میل نداشتم حرفهای آنها را قبول کنم اگر چه امروز بحرف آنها رسیده‌ام و از سربیبی خود پشیمان ولی آنروز بنام و اینمختلفه سعی در جلب رضایتشان میکردم گاهی با قربان صدقه گاهی با کبریه و زاری و بالاخره با اعتصاب غذا و تمارش دل رحیم ایشان را بدست آوردم پس از یکماه گفتگو و بحث پدر و مادرم پس از مشورت زیاد روی اصل اینکه ممانعت آنها ممکن است صدمه بروحیه من وارد آورد مساوقت کردند مشروط بر اینکه کوچکترین غفلتی راجع بدرسهایم نکنم و باکمال جدیت ادامه دهم و باینترتیب اولین قدم را بسوی یک حیات هنری برداشتم و در واقع پابروی اولین پله بنسای تلخی‌ها و ناراحتیها گذاردم. ناتمام

۳۰۰ (جون فوتین) و (ادموند) او بر این (آبدا لوبینو) ستارگان مشهور هالیوود اکنون در استودیوی «یونیورسال» مشغول باتمام رسانیدن یک فیلم اجتماعی و مهیج میباشد. فیلم مزبور (زن دوشوهر) نامدارد و از رمان (لیلیان فوتین) نویسنده شهیر اقتباس شده است.

۳۰۰ (همبازی دختر) عنوان یکی از فیلم های تمام رنگی و موزیکالی است که در کمپانی «یونیورسال» تهیه میشود.

۳۰۰ (همبازی دختر) عنوان یکی از فیلم های تمام رنگی و موزیکالی است که در کمپانی «یونیورسال» تهیه میشود.

۳۰۰ (جان وین) هنریشه مشهور فیلمهای (مرد آرام) و (نبرد اوقیانوس کبیر) قصد دارد پس از اتمام فیلم (فاتح) در فیلم دیگری بنام (با قدرت) شرکت نماید.

۳۰۰ (جان وین) هنریشه مشهور فیلمهای (مرد آرام) و (نبرد اوقیانوس کبیر) قصد دارد پس از اتمام فیلم (فاتح) در فیلم دیگری بنام (با قدرت) شرکت نماید.

۳۰۰ (جان وین) هنریشه مشهور فیلمهای (مرد آرام) و (نبرد اوقیانوس کبیر) قصد دارد پس از اتمام فیلم (فاتح) در فیلم دیگری بنام (با قدرت) شرکت نماید.

۳۰۰ (جان وین) هنریشه مشهور فیلمهای (مرد آرام) و (نبرد اوقیانوس کبیر) قصد دارد پس از اتمام فیلم (فاتح) در فیلم دیگری بنام (با قدرت) شرکت نماید.



سام زیمبالیست

تهیه کننده بزرگی که فیلم هوسهای امپراطور را بوجود آورد

تا اینکه یکروز نزدیک غروب بیدر و مادر (زیمبالیست) خبر دادند فرزندش بر اثر تصادم با اتومبیل فوت کرده؛ این خبر باعث کردید مادر بیچاره در دم سکنه قلبی نموده و بدرود جهان گوید و پدرش از غصه غش کند وقتی از حادثه جویاشدند معلوم گشت که (زیمبالیست) فقط دست و صورتش مجروح شده و خطری متوجه او نیست.

این موضوع برای (زیمبالیست) حائز اهمیت بود؛ زیرا با چاپ عکسهای او در روزنامه‌ها و مجلات در «پنسیلوانیا» شهرت و موفقیت خاصی بدست آورد.

(زیمبالیست) پس از اینکه بهبود یافت توانست با جدیت فراوان خود دیلم رشته سینما را گرفته و به (نیویورک) برود.

(زیمبالیست) ابتدا در یکی از آثارهای عمدهٔ شهر «نیویورک» استخدام شد و سپس با پول هنگفتی که از مادرش بارت برده بود تأثیر مزبور را خریداری و بنمایش بیردازد.

یکسال بعد (زیمبالیست) بنا بتوصیه دائمی خود در کمپانی «مترو گلدوین مایر» بسمت فیلمبردار استخدام شد. فیلمهای (من هرگز ترا نخواهم دید) و (مرکز ژنرال دوفاکر) و (من و مردمن) را فیلمبرداری نمود و بر اثر پشتکار عجیب خود بعنوان معاون استودیوی فوق الذکر انتخاب گردیده و مشغول کار شد.

ابتدا (زیمبالیست) سری فیلمهای «تارزان» موسوم به (تارزان و پسرش) و (مرکز تارزان) و (تاران در کشور آدمخوران) را تهیه و بمعرض نمایش گذارد و در هالیوود شهرت و موفقیت آینه خورا تضمین ساخت.

فیلمهایی که (سام زیمبالیست) تا بحال تهیه نموده عبارتند از (شبهای لندن) و (قبل از صبحانه ازدواج کن) و (شهر تاریک) و (آماده باش) و (غرش در جیبیت) و (ماجری) و (نیروی دریایی وزر) و (کنجهای حضرت سلیمان) و (جانسی نام) که بجز آخری همه آنها را در ایران دیده‌ایم.

(سام زیمبالیست) هنگام تهیه فیلمهای اخلاق عجیبی دارد، یکساعت قبل از موعود مقرر فیلمبرداری در استودیو حاضر میشود و صبح ناشامی نمیخورد و تا بعد از ظهر قریب دو جمعه سیگار میکشد و شب را در استودیو می‌خوابد!

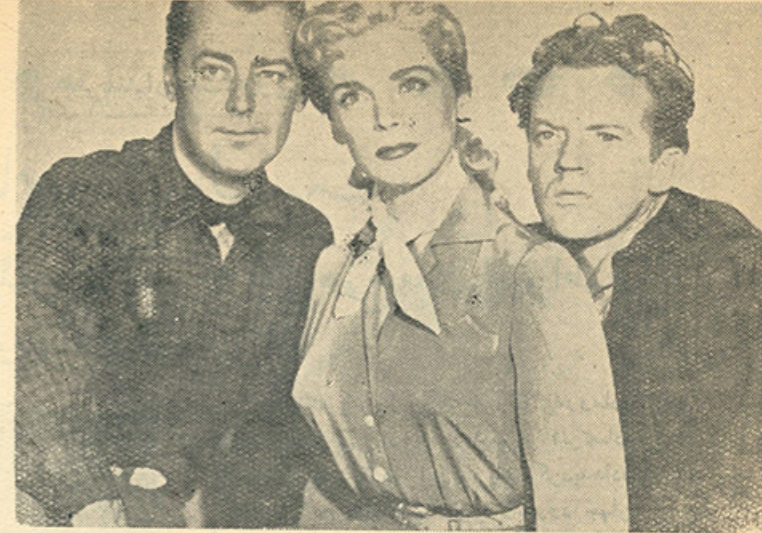
بقیه در صفحه ۲۲

شاید شامه از جمله کسانی باشید که فیلم (کنجهای حضرت سلیمان) را سال گذشته دیده باشید و با سم (سام زیمبالیست) آشنا شده و بارها کسی را که با تهیه فیلمهای موثر خود همه را شیفته خود نموده تحسین کرده‌اید.

(سام زیمبالیست) که با تهیه فیلم (کنجهای حضرت سلیمان) در محیط سینمایی ایران مشهور خاص و عام گردید و بزودی نیز دوباره یکی دیگر از شاهکارهای او را بنام (هوسهای امپراطور) خواهید دید در اواخر سپتامبر سال ۱۹۰۹ در ایالت «پنسیلوانیا» متولد گردید.

در خردسالی هنگامیکه برای تحصیل در مدرسه اقامت داشت در تأثیر و نمایشات مدرسه علاقه نشان میداد و چون در این فنون مهارت زیادی از خود بروز داد و با موافقت والدینش پس از اتمام دوره تحصیلی عازم یکی از کلاسهای هنریشکی گردید و مشغول آموختن آن فنون شد.

(زیمبالیست) در کوچکی پس از سینما به دوچرخه «!» فوق‌العاده علاقمند بود، این علاقه بقدری زیاد در مغز او رخنه کرده بود که هر کجا بود با دوچرخه میرفت و حتی شبها دوچرخه‌اش را کنار تخت خوابش می‌خواباند!



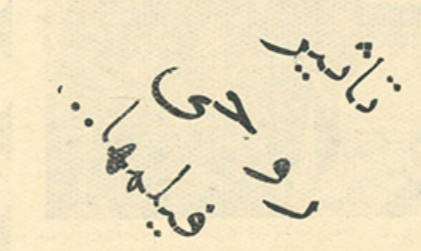
آلن لاد، لیزابت اسکات و آرتور کندی در فیلم (کوه سرخ)

احساسات یعنی آنکه با دیدن این کوسفند مصنوعی هم مانند حالت حقیقی متاثر شوید و با اصطلاح گریه کنید.

این احساسات لفظی را نباید با احساساتی که عامه از آن درک میکنند اشتباه کرد: در نظر عامه احساسات یعنی ادراکات عالی و عواطف (و مسلم است که فرد فهمیده‌ای چنین اشتباه نمی کند و این دورا بجای هم نیگیرد! کسی که با دیدن منظره ای آن هم مصنوعی و قراردادی

آن قدر متاثر میشود که قوای مدرک اش بکار نیفتد ضعف احساسات دارد. شعرا؛ نقاشها؛ هنرمندان دیگر از نظر روان شناسی علمی ضعف احساسات دارند

(البته امیال و عواطف و ادراکاتشان



ترجمه: ابوذر صداقت

عالی و پاک است و بر این موضوع شکی نیست (احساسات عالی در روان شناسی بین غلیان محبت شرافت، انسان دوستی رحم و هزرها. نه آنکه با دیدن مرگ یا کشته شدن فلان هنرپیشه یادیدن فلان منظره بگریه اقیتم در حالیکه صدها حقیقی

تراز آن را در کوچها می بینم و بی اعتنایی گذریم.

دیکر آنکه: احساسات را با قوه مدرک ارتباطی دور است ولی ارتباط احساسات با تخیل زیاد میباشد.

اینکه می بینید در فیلمی گریه می کنید تخیل شما قوی میشود لذا اعصاب منتقله از کلاریافتند و از آنجا قوه مدرک کلاریافتند (بهمان دلیل نیروی

تخیل - بخصوص انفعالی - در روان شناسی مرضی است) بکسی می گویند احساسات، نفس و روحش قوی است که هرگز ارتباط خود را با زمان و مکانی که در آنست قطع نکند، ترس نپذیرد؟ تاکنون تحقیق کرده اید چرا مردم دیوانه می شوند؟ جواب آن ساده است:

برای آنکه یک خیال واهی و قوی آنقدر نیرو میگیرد که حسها و نفسانیات دیگر را تحت تاثیر قرار داده و باعث میشود که ارتباط با زمان و مکان در او قطع شود. لاجرم ... مسئله گریه در فیلم هم تقریباً همین است.

بلی امن منکر شعور و عاطفه و قوه مدرک آنکس که در فیلم گریه میکند نیست! چه بسیار هنرمندان عالیقدر که برای انتقاد از فیلمی مجبورند چهارحتی پنج بار با دیدن آن آن بروند چون در حله های اول احساسات چنان شیفته هنر و بازی میشوند که مانند شادار فیلم (کارو زوی کبیر) گریه میکنند. اما بمرور این احساسات شدت اولیه خود را از دست میدهد و می بیند این خود بزرگترین دلیل است.

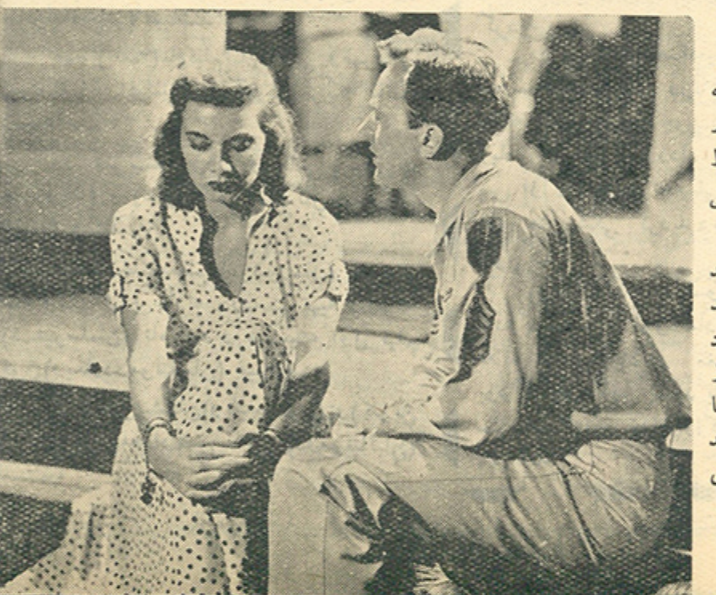
اما گریه در موسیقی فیلم مربوط باین مسئله نیست و جای جداگانه ای دارد! آنجا مسئله تأثر و عاطفه بیان می آید.

نوشته های پرفسور کوال (دومی سال روان شناسی و تحقیقی علمی را در دانشکاهای بزرگ جهان درس داده و خود با فریاد و دانشمندان بزرگ بحث و مجادله از نزدیک داشته) در خود تحقیق و مطالعه بیشتری است و نمی شود بعضی یکبار مرور از آنها انتقاد کرد.

امیدوارم منتقد محترمی که اصطلاحاتی مانند (اعصاب مدرک؛ روحی که خالی است؛ درک ندارد...) از خود بکاردی بر ند با خواندن مقدمات بالا و جواب اجتماعی شماره قبل خود رفع اشتباه کرده باشند. باتذکرات بعدی خود ما را ممنون سازند.

بقیه در صفحه ۱۷

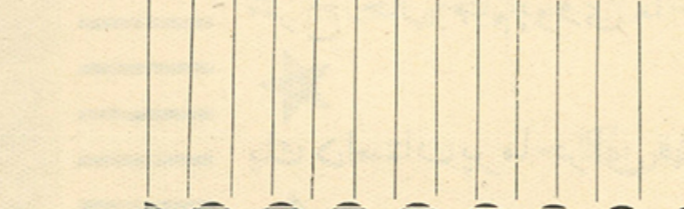
یکی دوو و آرتور کندی در فیلم پیروزی در خشان



عباس - شریفی

ژرار فیلیپ

می خواست کمتر حقوق شود، ولی آرتیست گمادی شد و امروز مورد احترام جامعه هنری فرانسه زبان است



یکی از نوشته های «ژو پرو دو» تهیه شده بود شرکت داد. «ژرار فیلیپ» در این وقت مشهور شده نردبان ترقی را منظم و با سرعت بالا میرفت و پس از آنکه در چند نمایشنامه دیگر از جمله «فدریکو»

بغلاف اکثر هنرمندانی که قبل از شروع بهنر پیشگی نامشان، با اسمی که امروز بگوش ما آشناست و بآن نام آنها را می شناسیم، فرق داشته، ژرار فیلیپ هیچ تغییری در اسم و رسم خود نداده و از روز تولد بهین نام خطاب میشده است.

روز چهارم دسامبر، سال ۱۹۲۲ در خانواده مرفه و آسوده ای در ناحیه «گراس» از ناحی «کان» بطبیعت زیبا لبخند زد و مایه شوق زن و مردی جدی و هنردوست گشت.

پدرش در «گراس» صاحب هتل معروفی بود و مادرش هم با کشیدن نقشه هائی برای دوستانش خود را سرگرم میکرد و «ژرار» در چنین خانواده ای مشغول تحصیلات مقدماتی گشت و همه جا را با موفقیت گذراند تا بدانشکده حقوق رسید و خیال داشت دکتر معروفی در علم حقوق شود. اما در همین او ان یکروز تصادف مادرش را با «مارک آلکره» روبرو ساخت و بر سر آینه «ژرار» هم صحبت شد و چون مادرش هم علاقه داشت فرزندش هنرمندی مشهور شود «مارک آلکره» قرار گذاشت که شخصاً با «ژرار» در این مورد صحبت کند.

نتیجه مذاکرات «مارک آلکره» و «ژرار فیلیپ» این شد که یکبار دست از ادامه رشته حقوق برداشته و بدنیال فرا گرفتن دروس تأثر در رشته کمدی برود و بوسیله آقاسی «هوه» دستیار «مارک آلکره» به «کلود دوفن» معرفی شود. «کلود دوفن» در سال ۱۹۴۲ او را در هیئت تاترال خود که بشهرستانهای مرفه شرکت داد و زمانی که «ژرار» از سفر بازگشت در نمایشنامه «دختری بلند و ساده» همراه «مادلین رویونسون» که «آندره روسن» تهیه میکرد شرکت نمود.

چندی بعد «مارک آلکره» او را در پیسی شرکت داد که هنرش طرف توجه واقع شد و بعد از این زمان بود که «فیلیپ» با «دو کتیک» آشنا شد و او هم «ژرار» را در پیسی که از روی



را با تمام رساند و بوظنش مراجعت کرد و بعد از مدت کوتاهی «رنه کلیمان» نقش اول فیلم «مسیو ریوا» که در لندن تهیه میکرد بهمه او گذاشت و «ژرار» هم برای این کار عازم انگلستان شد. در بازگشت از لندن فیلم: «سرخ و سیاه» را همراه «دانیل داریو» و «آنا - ماریا - ساندری» بیابان رساند و فعلا هم کارش هنر نمائی در فیلمهای فرانسوی و ایتالیائی است.

«ژرار فیلیپ» در سال ۱۹۵۱ عضو رسمی و دائمی موسسه «تاتر ناسیونال بوپولر» است. علاقه بنادر و مطالعه در تمام امور هنری و شغولیات «ژرار» تشکیل میدهد. وی جوانی متین، جدی و مهربان است. در کارها صمیمی و با علاقه است و چون طرز فکرش طور است که او را از سایرین مشخص داشته و شخصیت هنری بسیاری برایش بوجود آورده است مورد احترام دوست و دشمن میباشد.

سالها بود که بیکه و تنها با مادرش زندگی میکرد خیال نداشت ازدواج کند ولی وقتی با «نیکول فورکاد» روبرو شد و آفاق فکر او را مطابق سطح فکر خودش یافت با او وصلت کرد و امروز کانون خانوادگی شیرین و خوشبختی بوجود آورده است. از فیلمهای مشهور او تنها «ابله» در تهران نمایش داده شده و فیلم «فانغان لاتولپ» هم بهتران رسیده و متأسفانه این اسم خاص را به «لاله آشین» ترجمه و خیال دارند فیلمش را بهین نام نمایش دهند. ما امیدواریم تا هنگام نمایش اولیاء سینما کریستال متوجه این موضوع شده و در انتخاب نام آن دقت بیشتری بفرمایند.



معشوقه آهنین

از: میر محسن مهدوی



☆ شرح حال جیم بووی ماجراجوی و مبتکر کارن معروف بووی ...

☆ یک داستان پر ماجرای قهرمانی و حوادث امریکا

☆ آلن لان جانشین دو کلاس فریبگی مشت با کارن و شمشیر به میدان می آید

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

جیم بووی با کارن مبارزه میکند

آلن لاد و ویرجینیا مایو در فیلم معشوقه آهنین

(تونی کاروزو) که از آن قماربازان بنام است تاس واسبی دهنده از او میخرد که آنرا در مسابقه اسب دوایی بر علیه اسب «یورتو» بدواند.

پرواز شدن اسب «جیم» در این مسابقه ایجاد دشمنی شدیدی بین ایندومینااید. «جیم» که امروز دیگر مرد متولی است، برای جلب عشق «جیودالن» اقدام ولی او مدت است که با «فیلیپ» ازدواج کرده است.

این نکته نیز بر او روشن است که این ازدواج مطلقا با خوشبختی توأم نیست. برای محافظت جان خود «جیم» از بهترین نوع فولاد دستور ساختن کاردی میدهد که بعدها بنام او مشهور میگردد.

وقتی «یورتو» بجان او سوء قصد میکند، بوسیله همان کارد بدست «جیم» کشته میشود. در این اوان «فیلیپ» مبلغ هنگفتی به «اسچور دیوانت» باخته و «جیودالن» برای تقاضای کمک بلاقات «جیم» میرود.

در ملاقاتی که بین «جیم» و مرد قمارباز برقرار میشود، «جیم» بوسیله کسان او از پای درمیآید.

با وجود اینکه زخمهای مهلکی بر میدارد «جیم» بوسیله «اورسیولا» (فیلیس کرک) که از او پرستاری و نگهداری میکند سلامتی خود را باز یافته و از «اورسیولا» تقاضای ازدواج می نماید.

«اورسیولا» بعلمت اینکه زمانی «جیم» جیودالن را دوست میداشته است از قبول تقاضای او خودداری میکند. چندی بعد جیم برای کاری با جیودالن و فیلیپ تاس و غفلتا همگی در دام اسچور دیوانت میافتند و در تیراندازی که از

بقیه در صفحه ۱۷



معشوقه آهنین کیست؟

فلیم رنگی که بنام «معشوقه آهنین» به اشتراک هنرپیشگانی مانند «آلن لاد» و «ویر جینیا مایو» و کارگردانی «کوردون دو کلاس» بیازار میآید داستان مردی است که از اعماق دهات و جنگلهای «لوئیزیانا» به «نیواورلئانز» آمده و در آنجا بصورت مردی شهری ظاهر شده و برای حفظ جان و منافع خود دست با ابداع کاردی میزند که همان «معشوقه آهنین» اوست و تا امروز درجهان نام «بووی» سازنده آن مشهور است.

این مرد گرفتار عشق زنی خودخواه و زیبا و هرزه میگردد و وجود او جریانات مہیجی را ایجاد میکند.

داستان فیلم

«جیم بووی» (ال لاد) که جوانی ازدهات «لوئیزیانا» است برای فروش الوار محصول کارخانه چوببری خود به نیواورلئان می آید.

در همان اوایل ورود، زیبایی فریبنده «جیودالن» (ویرجینیا مایو) نظر او را بخود جلب ولی متوجه میشود که رقابت شدیدی بین «یورتو» (جوزف کالیا) که سیاستمداری جاه طلب بوده و آرزوهایی دور و دراز دارد و «فیلیپ» (الف کجلین) و «هنری» (بندیانک) که قاتلی بیرحم است وجود دارد.

ابراز توجه متقابل از طرف «جیودالن» نسبت به «جیم» باعث میشود که «هنری» وی را بچنگ تن بزن دعوت کند. نتیجه این چنگ تن بتن بنفع «جیم» پایان می پذیرد.

چون جلب عشق «جیودالن» جز با ثروت هنگفتی میسر نیست، «جیم» با «اسچوردانت»

نامه های فراموش نشدنی

آوری دارد .
امروز روز قتل است ، در این ساعت همه کلاه های خود را تمام کرده ام ؛ شب قبل و امروز مفصلاً کار کردم ، آخرین کتاب خود را تمام میکنم ؛ هفته آینده باید آن را منتشر کنم .
انتظار هم ندارم که با موفقیت روبرو شود ،
زمانی آرزو میکردم شخص مشهوری باشم اما حالا میخواهم ناشناس تر از ناشناس بشوم ، آقدر ناشناس شوم که خود را هم هرگز نشناسم .
حوصله مطالعه هم ندارم ؛ شاید نویسنده ای مانند من عصبی مزاج و ناراحت و کم حوصله پیدا نشود همش می خواهم بدوم و کاری انجام دهم .
در ماه های اخیر اولین بار است که دچار حالت بی حوصلگی شده ام .
کوچه ها امروز مانند قبرستان است برای ماجراجوی بی حوصله ای این وضع ناراحت کننده است
جز نامه اولیه تو چیزی برای خواندن ندارم .
چند بار دیگر نامه را میخوانم ، بعد از منزل بیرون می آیم خیلی آهسته طول خیابان را می پیمایم ؛
مسیر من طرف منزل تو است . بی اختیار با آنجا می آیم .
از جلوی منزلت رد میشوم ؛ پیاده روی را بدون آنکه دوست داشته باشم بخود تحمیل می کنم
نمیدانم تو چرا برایم نمی نویسی که لا اقل در این قبیل مواقع با آنها مشغول شوم .
میخواهم مانند من آنچه را که فکر می کنی بنویسی .
افکارت را شرح دهم . در حیاط ایستاده ام . آفتاب بکلی غروب کرده و تاریکی حزن آوری حاکم میشود و گریه منزل ما از خاموشی من متحیر است در اطرافم می دود . مثل این که میخواهد
بفهمد این چه حالتی است خوروف های های مطلوبش مرا سرگرم میکنند . در این دقیقه نمی توانم از تلخی و شیرینی زندگی چیزی بفهمم میخواهم بگویم چه زندگی تلخی است .
اما وقتی توئی وجود دارد از شیرینی آن باید یاد کنم .
سه روز است تو را ندیده ام . او سه روز این برای من خیلی است ؛ ساعات پایان نا

بذیری است که میگذرد ، این ساعات را تمام بامید دیدن تو میگذرانم ؛ نمیدانم وقتی که برای همیشه در کنارت قرار گرفتم آن وقت چگونه طبع بوالهوس من نسبت بتوراضی خواهد شد آینده هم اینها را روشن خواهد کرد ؛ آینده ای که غرق روشنی و تاریکی است !
روزها گذشت ، آنها غالب اوقات خود را باهم میگذرانیدند ؛ باهم ساعتها تنها می نشستند و گفتگو میکردند باهم در مجالس شرکت میکردند برای آنها کسی جز خودشان وجود نداشت ؛ تاری از آینده میترسید در حالی که شری مطمئن بود
و باو اطمینان میداد . دوستانشان در مجالس آنها را بحال خود میگذاشتند ؛ با آنها رشک میبردند
اما بدین سهولت نمی توانست جوابشان سازد
آنها در عین اینکه آزاد بودند محروم هم بودند . آزادی ، محیط آنها آزادی واقعی نبود ، بلکه وحشت بود ! آزادی آنها محکوم می کرد بدون آنکه خودشان بفهمند . محیط علاقه و عشق را در نظر این دو بچگی و احساسات و نمود میکرد و با آنها می گفت که راه عقل یعنی راه زندگی عادی را انتخاب کنند . یک مختصر تفاوت اخلاقی اساس سعادت آنی آنها را متلاشی می ساخت .
عاقبت اینطور هم شد .
شری به هدف و روش و احساسات خود پایبند و مقید بود ؛ اما تاری در مقابل مادیات بدون آنکه خود بخواید و یا بفهمد عجز داشت ؛ او نمی توانست در مقابل تمایلات نفسانی خود استقامت کند .
یواش یواش آنچه را که شری میخواست برایش عظمت و زیبایی بسازد تبدیل به یک عشق و هوس عادی میشد ؛ شری از این خطر وحشت داشت ؛ او کم کم این وحشت را حس میکرد
او متوجه میشد که باید یک عشق عادی از آن ها که نمونه هایش را خیلی زیاد شنیده و دیده است طی بکند و این برایش دردناک بود .
او متوجه بود که محیط تاری را با خود میبرد ؛
او متوجه بود که آن تاری مهربان و مطیع برای علاقه اش دیگر احترامی قائل نیست آن وقت تا گیر شد که آخرین مبارزه را بکند ..

بقیه در صفحه ۲۳

تاثیر روحیه فیلمها

بقیه از صفحه ۱۲
۷۵ درصد مردم به (انتریک و مومومان) فیلم علاقه دارند . بیست درصد بهتر فیلم و پنج درصد هم به جنبه های تحریکی آن

این پنج درصد کوچکترین ارزشی ندارند زیرا فقط برای دیدن نکات تحریک آمیز و قسمت های غیرعادی و تصنعی فیلم بدین آن میروند و تعجب در اینجا است که نه تنها احساسات آنها کوفته شده گاهی عواطف آنها نیز تغییر مسیر میدهد .
مثلا رسم است که هنرمند ترین آرتیست ها برای بازی در نقش هنرپیشه ای که جنبه بدو شیطانی فیلم را دارد انتخاب می کنند . در فیلم های ایتالیایی (ویتوریو گاسمان) نقش شیطانی و بد را بازی میکنند (وراف و الوونه جنبه خوب آنرا) این دسته از مردم آقدر ناراحتند که بعضی بر دن اسم (ویتوریو) میگویند : من این آرتیست را دوست ندارم ؛ درممالکی که فرهنگ در مراحل اولیه است این پنج درصد زیاد میشود لذا بازار فیلمهای مصری رواج خاصی دارد . راه مابارزه با آنهاست .

بیست درصد آنهایی که بهتر فیلم علاقمندند (واژ دیدن فیلم های مانند تراوانی بنام هوس یا کارو زوی کبیر و غیره لذت میبرند) مردی فکور و اندیشمند هستند . سفارشی که برای آنها دارم این است که این فیلمها را بیش از دو بار ببینند ؛ زیرا نیروی تخیل اختراعی آنها زیاد میشود و اگر شاعر ، نویسنده یا هنرمند باشند برای آنها بسیار مفید خواهد بود . برای این دسته از مردم که حتی یکبار تمایل بدیدن فیلم های عربی نمی کنند و بیش از همه موضوع ، موسیقی و هنرهای دیگر فیلم توجه آنها را جذب می کند . با آن دسته هم که خود با موفرم فیلم واردند کاری نداریم .

اما هفتاد و پنج درصد مردمی که بخاطر انتریک و مومومان فیلم بدن آن میروند از نظر های مختلف درخور مطالعه میباشد و کارگردانان ماهر نویسندگان را استخدام می کنند یا کتابهایی را میجویند که بر از انتریک باشد .
حالت انتظار که تماشاچی برای پایان موضوع (نه پایان فیلم) دارد یعنی حالتی که در آن باهاریا بهم فشار میدهد ، گاهی زبانش را بیرون میآورد ، داد میزند ، یا دست رفیق پهلومی خود را فشار میدهد .
در حالات نفسانیش تاثیر دارد . این تاثیر همیشه منفی است .
حتی گاهی عده ای میل دارند فیلم باین زودی تمام نشود ، مرتب ساعت خود نگاه میکنند ، اما یکبار فیلم تمام میشود و حالات مخصوص که متاسفانه آنها هم منفی است با نهاد دست میدهد .

بدتر از هر دوی آنها وقتی است که فیلم به نکته حساسی رسیده است و تماشاچی از خود بیخود شده محو تماشای فیلم است . در این بین یا فیلم باره میشود یا (اتراکت) می دهند .
در این وقت صدای همگانی (آه) بلند میشود و گاهی هم دستها را بحالت تاسف بهم میکوبند ؛
این حالت هم منفی است .
این سه حالت منفی برای سلامتی ذهن و نفسانیات تماشاچی مضر است و کارگردانانی که بخاطر هنر و خلق زحمت میکنند باید همه آنها را رعایت کنند یا تماشاچی حتی اگر با تلقین مصنوعی هم باشد خود را از این اعمال بازدارد .
انتریک داستان باید فوراً نتیجه خود را بدهد .
تا هم از کوردت اعصاب کاسته و هم گرفتگی اعصاب بوجود نیاید .
فیلمی خوب است که انتریک آن واحد باشد و با درسی که قرار است فیلم از لحاظ اخلاق بوجود آورد (که متاسفانه فیلمهای ما نه تنها درس اخلاق نمیدهند بلکه درس بد اخلاقی هم میدهند) مخلوط شده باشد . عالیترین نمونه این فیلمها فیلم مادام بوواری است .
در این فیلمها محرومان حالت سرگرم کننده بخود میگرد .
در بعضی فیلمها انتریک و مومومان آنرا باهم و جریان آنرا دراز میکنند . خوبی این فیلمها اینست که تماشاچی خیال میکند چندین انتریک وجود دارد و جنبه سرگرم کننده آن زیاد است (مانند فیلم مجری قانون - همفری بوکارت) .

فیلم های کمدی بشرطی که اولاً دارای موضوع معینی باشند (بخوانند از نضاد انتقاد کنند یا عقیده باطلی را رد نمایند یا روحیات و جامعه ای را تحلیل نمایند) و بشرطی که هنرمندان خوبی آنرا بازی نمایند بسیار مفیدند .
فیلم بازرگانی (نویسنده گوگول - آرتیست دنی کی) عالیترین نمونه اخلاقی فیلم های کمدی بود .
هیچکس حق ندارد از دیدن این تپ فیلم ها ممانعت بعمل آورد هم موضوع آن واحد و معین وهم .
اما برعکس کمدی هایی که فقط جز مسخره و استهزاء چیز دیگری نیست ؛ جز گذراندن وقت بیطالت و بیهودگی نمره دیگری ندارند .
فیلم های موزیکال از نظر هنر موسیقی بسیار عالی هستند بشرطی که قبلاً اعلام کرده باشند تا آنها که بموسیقی علاقه ندارند نروند و خسته نشوند (فیلم استادان هنر و نظایر آن هر چند مورد علاقه فهیمه ترین مردم است

ولی ممکن است عده ای بآن ها علاقمند نباشند) .
در فیلم های پلیسی و جنایی که متاسفانه اسم ثابت و معینی نمی توان روی آنها گذاشت و در آن ها جز وحشیگری و قتل چیز دیگری نیست اصولاً فیلمهای خوبی نیستند و از نظر اخلاقی مضر میباشد .
(فیلم های جیمز کاکنی) اصولاً تاثیرات و تمایلات حیوانی خفته را بیدار میکند و نتیجه این می شود که حالات مذکور در بالا عاید تماشاچی شود .
در فیلم های درام همان طور که در شماره های گذشته گفته شد بشرطی که اخلاقی مثبت و آموزنده باشند بسیار مفیدند (جونی بلیندا - گودال مار - غیره) و بشرطی که نکات مربوط به انتریک - مومومان - در آن ها رعایت گردد .
اما برای کودکان - اصولاً هر فیلم مثبت و اخلاقی که برای بزرگها خوب باشد برای کودکان هم مفید است .
اما بشرطی که قبلاً آن را دیده و مناسبات اخلاقی آنرا در نظر گرفته باشند (بوسه ؛ معاشقات ؛ جنبه های تحریکی در آن ها نباشد) .

عالی ترین و اخلاقی ترین فیلمها برای همه دسته ها فیلمهای میکی ماوس می باشند .
برای کودکان از این نوع فیلم بهتر نمی شود پیدا کرد .
مخصوصاً که در آن ها درس های اخلاقی باشد .
از نظر اینکه هیچگونه نیروی تحریکی ندارد لاجرم بیننده باحالتی شاد و باشاش تماشا میشتابد .
انتریک و مومومان در آن ها حل شده است (مماقاله جداگانه ای در خصوص فیلمهای میکی ماوس برای شما خواهم نوشت ؛
در پایان مقالات خود متذکر می شوم که نباید سینما و هنر سینما را ساده تلقی کرد و امروز که با اصطلاح همه اطراف ما را ناراحتی های مختلف گرفته و نود درصد ما از همه مظاهر این تمدن خسته و کوفته ایم ؛ فیلم سینما باید لااقل آرام کننده خاطر و تسلی دهنده آلام ما باشد .

پایان

خلاصه شماره های گذشته
اجتماع و قوانینش رحم ندارند . قانون توانسته عدالت اجتماعی را برقرار کند . اجتماع احساسات انسانی برخی افراد را درک نمیکند . این سرگذشت واقعی و وفردی است که بعد پرستش یکدیگر را دوست دارند محیط آنها را از نبل بعادت باز میدارد آنها بدون آنکه باین موضوع بیندیشند با رویای خود مشغولند . ولی گاهی هم دچار وحشت آینده میشوند ؛ شری و تاری باهم آشنا شده اند . شری در نامه های خود علاقه و افکار خود را وصف میکنند و از تاری دعوت میکنند که با جریان پوسیده محیط جدال کند و موانع را در هم شکند . شری می نویسد ؛
...
اکنون نمی توانم و نباید تنها از خود سخن بگویم ؛ زیرا هر چه بگویم شامل تو هم می شود ؛ زیرا روح ما بهم نزدیک است چشمهای حساس ما واقعیت را درک می کنند ؛ آنها همه جا با هم سخن می گویند .
از سنگینی زندگی کله می کنند ولی ضمنا بهم می گویند ؛
« ما همیشه باهم هستیم ماهیچه گاه یکدیگر را ترک نخواهیم کرد .
ما زنجیر اسارت را هم از هم میدزیم ، باهم مبارزه خواهیم کرد ، ما دوستان واقعی خواهیم بود . »
نه اینست که میخواهم خود را باین کلیات مشغول سازیم ؛ ما میخواهیم با وجودیت آن پایداری خود را ثابت نمایم و مقداری از فکر و انرژی خود را صرف نوشتن کنیم .
...
شری در هیجانات عنفوان جوانی غوطه ور بود
او میخواست زیبایی بسازد ؛ او میخواست خوبی را بنا کند ؛ او بدنبال احساساتی که نمی دانست چیست میدوید . او با آینده فکر میکرد ولی از خطر آن میترسید ... بعدها شری فهمید که چقدر بخاطر فته ، این سر نوشت نبود بلکه جریان زندگی است ، که این احساسات تند را بفردی میدهند و بعد با شکستن آن بان ماجرا پایان می بخشد .
۱۹ آبان ماه
از شری بتاری
ساعت ۴ بعد از ظهر و هوا خیلی گرفته و حزن انگیز است . پاییز تهران عصرهای حزن

آوری دارد .
امروز روز قتل است ، در این ساعت همه کلاه های خود را تمام کرده ام ؛ شب قبل و امروز مفصلاً کار کردم ، آخرین کتاب خود را تمام میکنم ؛ هفته آینده باید آن را منتشر کنم .
انتظار هم ندارم که با موفقیت روبرو شود ،
زمانی آرزو میکردم شخص مشهوری باشم اما حالا میخواهم ناشناس تر از ناشناس بشوم ، آقدر ناشناس شوم که خود را هم هرگز نشناسم .
حوصله مطالعه هم ندارم ؛ شاید نویسنده ای مانند من عصبی مزاج و ناراحت و کم حوصله پیدا نشود همش می خواهم بدوم و کاری انجام دهم .
در ماه های اخیر اولین بار است که دچار حالت بی حوصلگی شده ام .
کوچه ها امروز مانند قبرستان است برای ماجراجوی بی حوصله ای این وضع ناراحت کننده است
جز نامه اولیه تو چیزی برای خواندن ندارم .
چند بار دیگر نامه را میخوانم ، بعد از منزل بیرون می آیم خیلی آهسته طول خیابان را می پیمایم ؛
مسیر من طرف منزل تو است . بی اختیار با آنجا می آیم .
از جلوی منزلت رد میشوم ؛ پیاده روی را بدون آنکه دوست داشته باشم بخود تحمیل می کنم
نمیدانم تو چرا برایم نمی نویسی که لا اقل در این قبیل مواقع با آنها مشغول شوم .
میخواهم مانند من آنچه را که فکر می کنی بنویسی .
افکارت را شرح دهم . در حیاط ایستاده ام . آفتاب بکلی غروب کرده و تاریکی حزن آوری حاکم میشود و گریه منزل ما از خاموشی من متحیر است در اطرافم می دود . مثل این که میخواهد
بفهمد این چه حالتی است خوروف های های مطلوبش مرا سرگرم میکنند . در این دقیقه نمی توانم از تلخی و شیرینی زندگی چیزی بفهمم میخواهم بگویم چه زندگی تلخی است .
اما وقتی توئی وجود دارد از شیرینی آن باید یاد کنم .
سه روز است تو را ندیده ام . او سه روز این برای من خیلی است ؛ ساعات پایان نا

بقیه در صفحه ۲۳

تاثیر روحیه فیلمها
بقیه از صفحه ۱۲
۷۵ درصد مردم به (انتریک و مومومان) فیلم علاقه دارند . بیست درصد بهتر فیلم و پنج درصد هم به جنبه های تحریکی آن

این پنج درصد کوچکترین ارزشی ندارند زیرا فقط برای دیدن نکات تحریک آمیز و قسمت های غیرعادی و تصنعی فیلم بدین آن میروند و تعجب در اینجا است که نه تنها احساسات آنها کوفته شده گاهی عواطف آنها نیز تغییر مسیر میدهد .
مثلا رسم است که هنرمند ترین آرتیست ها برای بازی در نقش هنرپیشه ای که جنبه بدو شیطانی فیلم را دارد انتخاب می کنند . در فیلم های ایتالیایی (ویتوریو گاسمان) نقش شیطانی و بد را بازی میکنند (وراف و الوونه جنبه خوب آنرا) این دسته از مردم آقدر ناراحتند که بعضی بر دن اسم (ویتوریو) میگویند : من این آرتیست را دوست ندارم ؛ درممالکی که فرهنگ در مراحل اولیه است این پنج درصد زیاد میشود لذا بازار فیلمهای مصری رواج خاصی دارد . راه مابارزه با آنهاست .

بیست درصد آنهایی که بهتر فیلم علاقمندند (واژ دیدن فیلم های مانند تراوانی بنام هوس یا کارو زوی کبیر و غیره لذت میبرند) مردی فکور و اندیشمند هستند . سفارشی که برای آنها دارم این است که این فیلمها را بیش از دو بار ببینند ؛ زیرا نیروی تخیل اختراعی آنها زیاد میشود و اگر شاعر ، نویسنده یا هنرمند باشند برای آنها بسیار مفید خواهد بود . برای این دسته از مردم که حتی یکبار تمایل بدیدن فیلم های عربی نمی کنند و بیش از همه موضوع ، موسیقی و هنرهای دیگر فیلم توجه آنها را جذب می کند . با آن دسته هم که خود با موفرم فیلم واردند کاری نداریم .

اما هفتاد و پنج درصد مردمی که بخاطر انتریک و مومومان فیلم بدن آن میروند از نظر های مختلف درخور مطالعه میباشد و کارگردانان ماهر نویسندگان را استخدام می کنند یا کتابهایی را میجویند که بر از انتریک باشد .
حالت انتظار که تماشاچی برای پایان موضوع (نه پایان فیلم) دارد یعنی حالتی که در آن باهاریا بهم فشار میدهد ، گاهی زبانش را بیرون میآورد ، داد میزند ، یا دست رفیق پهلومی خود را فشار میدهد .
در حالات نفسانیش تاثیر دارد . این تاثیر همیشه منفی است .
حتی گاهی عده ای میل دارند فیلم باین زودی تمام نشود ، مرتب ساعت خود نگاه میکنند ، اما یکبار فیلم تمام میشود و حالات مخصوص که متاسفانه آنها هم منفی است با نهاد دست میدهد .

بدتر از هر دوی آنها وقتی است که فیلم به نکته حساسی رسیده است و تماشاچی از خود بیخود شده محو تماشای فیلم است . در این بین یا فیلم باره میشود یا (اتراکت) می دهند .
در این وقت صدای همگانی (آه) بلند میشود و گاهی هم دستها را بحالت تاسف بهم میکوبند ؛
این حالت هم منفی است .
این سه حالت منفی برای سلامتی ذهن و نفسانیات تماشاچی مضر است و کارگردانانی که بخاطر هنر و خلق زحمت میکنند باید همه آنها را رعایت کنند یا تماشاچی حتی اگر با تلقین مصنوعی هم باشد خود را از این اعمال بازدارد .
انتریک داستان باید فوراً نتیجه خود را بدهد .
تا هم از کوردت اعصاب کاسته و هم گرفتگی اعصاب بوجود نیاید .
فیلمی خوب است که انتریک آن واحد باشد و با درسی که قرار است فیلم از لحاظ اخلاق بوجود آورد (که متاسفانه فیلمهای ما نه تنها درس اخلاق نمیدهند بلکه درس بد اخلاقی هم میدهند) مخلوط شده باشد . عالیترین نمونه این فیلمها فیلم مادام بوواری است .
در این فیلمها محرومان حالت سرگرم کننده بخود میگرد .
در بعضی فیلمها انتریک و مومومان آنرا باهم و جریان آنرا دراز میکنند . خوبی این فیلمها اینست که تماشاچی خیال میکند چندین انتریک وجود دارد و جنبه سرگرم کننده آن زیاد است (مانند فیلم مجری قانون - همفری بوکارت) .

فیلم های کمدی بشرطی که اولاً دارای موضوع معینی باشند (بخوانند از نضاد انتقاد کنند یا عقیده باطلی را رد نمایند یا روحیات و جامعه ای را تحلیل نمایند) و بشرطی که هنرمندان خوبی آنرا بازی نمایند بسیار مفیدند .
فیلم بازرگانی (نویسنده گوگول - آرتیست دنی کی) عالیترین نمونه اخلاقی فیلم های کمدی بود .
هیچکس حق ندارد از دیدن این تپ فیلم ها ممانعت بعمل آورد هم موضوع آن واحد و معین وهم .
اما برعکس کمدی هایی که فقط جز مسخره و استهزاء چیز دیگری نیست ؛ جز گذراندن وقت بیطالت و بیهودگی نمره دیگری ندارند .
فیلم های موزیکال از نظر هنر موسیقی بسیار عالی هستند بشرطی که قبلاً اعلام کرده باشند تا آنها که بموسیقی علاقه ندارند نروند و خسته نشوند (فیلم استادان هنر و نظایر آن هر چند مورد علاقه فهیمه ترین مردم است

شرکت سهامی چاپ
تهران
خیابان خیام نشن ۲۳۶۲۳-۲۴۶۹۰۳۲۰۶۹



دوشیزه طیبه ق:
بله از زمان آنمجله خدمت شما ارادت داشتیم، سلام متقابل ما را بپذیرید... مطالب نامه و تذکرات شامورد استفاده ما قرار گرفت. حق بجانب شماست ولی



میدانید که آن صفحات چقدر برتراژمجله می افزایند. نامه های فراموش نشدنی موضوع برای سناریو می باشد، اشتباه نکنید... این داستان آنموضوع عشقی که شما فکر میکنید نیست و دختران عاشق پیشه از آن جمله فرانخواهند گرفت،

یکبار دیگر آنرا مطالعه کنید ب نتیجه دیگری خواهید رسید. و اما در باره اخبار سینمایی باشما هم عقیده هستیم ولی اکثریت نظر ما و شماراندارند و ما ناگزیریم نظرا کثرت راز عایت کنیم و در خلال مطالب سبک مطالب سنگین و هنری بگنجانیم.

آقای عبدالکریم نداف (اهواز)

۱- بچشم درموقع خود ۲- چرا قسمتهای مهیج فیلمرا سانسور میکنند؟ خیلی ساده است برای اینکه همیشه از هیجان وحشت دارند. ۳- والت دیسنی اکنون در امریکا مشغول تهیه فیلم است. (لطفا آدرس خود را برای ما ارسال دارید.)

آقای اصغر هاشمی (تبریز)

۱- نمایندگی ما در آنشهرستان از این شماره با کیوسک آقای اسمعیلی است. ۲- بله ۳- آنهم بله ۴- خیر سازمان سینمایی شوروی با امریکا متفاوت است ۵- معرفی فیلم بیگانگان با هنر مغایرت دارد!! فکر نکنم این تفاوت شما منطقی باشد زیرا بزرگترین شاهکار هنر تجسم جریانات واقعی و تاریخی اجتماعی در روی پرده است ۶- از فیلمهای اروپایی هم که مرتباً معرفی می کنیم.

آقای مسعود ساعدی:

مرحمت شما زیاد - ما بنوبت بخوانندگان پاسخ میدهیم. فقط از سئوالات نامربوط در میرویم. فیلم بر باد رفته را نمایش نخواهند داد زیرا اولاد مدت نمایش آن تمام شده و کپی جدیدش هم فوق العاده گران قیمت است.

آقای فیروز بیطرف (ک(اهواز):
بهای اشتراك مجله در صفحه دوم قید شده، بهای اشتراك شش ماهه ۷۰ ریال است که میتوانید بوسیله پست ارسال دارید.

آقای جمشید آرامش:

نوشته اید که بعضی نویسندگان (مجلات بوسیله اشتباه گرفتن از دیگران می خواهند معلومات نمائی کنند نظریه شما صحیح است) مردم خود قضاوت خواهند کرد. و تفاوت بین يك مجله بی هدف تجارتي را با مجله ای که مبارزه می کند درك می کنند.

بدبختی ما اینجاست که مجلات باصطلاح هنری بعنوان نگاهیات و در زیر لفافه سینما از «فرورفتگی» و «برجستگی» صحبت می کنند.

آقای محمد عبدالله زاده:

از نظریات شما متشکریم ولی پیشنهادات شما از لحاظ مادی بهیچوجه عملی نیست.

۱- بزودی به هفتگی کردن هم خواهیم رسید. ۲- هیچکس را نمیتوان بطور مطلق بهترین هنر پیشه جهان دانست.

۳- از آنگریه بر کمن تا چند ماه دیگر فیلم (ادوبای ۵۱) را بتهران خواهند آورد.

آقای م نوش (شیراز):

بلی چاپلین بزرگ فیلی تغییر کرده و حالا قیافه او شباهتی به قیافه قبرمان فیلم روشنائیهای شهر ندارد، چاپلین مورد احترام کلیه محافل هنری جهان است. از فیلمهای جدید چاپلین با ایران نیامده و آخرین فیلم او لایمه لایت میباشد مادر شرح حال او به قسمت تهیه فیلم روشنائیهای شهر خواهیم رسید.

آقای شوشی:

از جینا لولو بر جیدا فقط فیلم شمشیرهای متقاطع را نمایش داده اند و بزودی قانقان لاتولپ را هم نمایش خواهند داد ۲- جینا از سیلوانا بمراتب مشهورتر است ولی بعقیده ما تاکنون جز زیبایی چیزی نداشته است ۳- ما را بقیاس قضاوت نکشاند ۴- البته ریتهایورث هنرمندتر از جینا است ولی راستی شما چرا جیبارا دوستی چسبیده اید، مواظب باشید که با «یوگسلاوی» طرف هستید!!



اخبار سینمایی جهان

نبرد دین بین فو

جائیکه خطر مرگ همه را تهدید میکند، بازم فیلم برداران دست بردار نیستند. آنجائیکه گلوله هافیر می کشند مرگ بخود شکل میگیرد مرض خطرناک گریپ مغز نیز همه را تهدید میکند موقعیکه هیئت سینمایی فرانسوی وارد هندو چین شدند. بیماری گریپ همه را تهدید میکرد چندتن از هنرپیشگان نیز دچار این بیماری شدند که با زحمات زیاد جان سلامت بدر بردند. در این فیلم که بزودی تهیه آن با تمام میرسد. ژاک سرناس، کورت کاستا بادالیو و پتروان یک شرکت دارند.

شاهکار جدید اولیویا دوهاو یلند

اولیویا در هادیلاند و رابرت میچام در فرانسه با اتفاق فیلمی بنام Notas a Stbange باز می کنند، فرانسویها ورود اولیویا دوهاو یلند را به فرانسه جشن گرفته اند. اولیویا ستاره هنرمند در این فیلم در نقش يك سرپرستار ظاهر میشود. ستانلی کرامر تهیه کننده فیلم از اینکه اولیویا توانسته است لهجه خود را بسبک اهالی اروپای شمالی تغییر دهد خوشحال است زیرا اولیویا نقش يك دختر سوئدی را بازی می کند در مقابل او رابرت میچام نقش مردی را بازی می کند که احساسات انسانی خود را از دست داده.

سامول خاچکیان

بقیه از صفحه ۵
حال حاضر صاحبان استودیو ها موضوع تجارت را به هنر ترجیح میدهند ارزش وقت و کار را نمی دانند راجع به صنعت فیلم برداری اطلاعی ندارند از فن مونتازژ و کوباژ که از نقطه نظر علمی در فیلم مؤثر است اطلاعی ندارند بهمین علت است که تکنیک فیلم ترقی نمیکند. البته خاچکیان راجع باین موضوع و بطور کلی راجع بعلم و عوامل عدم پیشرفت فیلم های فارسی و رفع عوایب آن بزودی سلسله مقالاتی درمجله ما خواهند نوشت.

خاچکیان همیشه از مجلات و روزنامه هائی که بوسیله مقدماتی واقعی انتقاد مینمایند متشکر است ولی برای آنهایی که خود را بنام منتقد معرفی میکنند ارزشی قائل نیست و شاید بتوان گفت تلخ ترین خاطره برای ایشان نوشته مقاله روزنامه یزدان که شخصی بنام منقذ درباره فیلم دختری از شیراز نوشته بود باشد که در آن روزنامه لقب های ناسزائی داده بودند خاچکیان تصمیم دارد در سال آینده به مسافرت خارج برود و مطالعات بیشتری از لحاظ هنری بنمایند ما با استعدادی که در ایشان می بینیم امیدوارم که در برگشت ایشان از مسافرت تحولات بزرگتری در صنعت فیلم برداری ایران بوجود آید و ایشان بتوانند خدمات بیشتری به سینمای ایران (در صورتی که در جاده حقیقی خود براه افتد) بنمایند.

ستاره فولی برژه در هالیوود

بیون منار ستاره خوش اندام که هیکل موزون و اندام نرم او مشهور است پس از پایان نمایشات خود در پاریس عازم هالیوود شد. او نقش اول را در فیلم «آنا هلد» بازی خواهد کرد. آنا هلد زنی بود که در نیم قرن پیش میزیسته و تمام زندگیش غرق در هیجانانات بوده است. هالیوود از این ستاره لووند فرانسوی بخوبی پذیرائی میکند.

تارزان در فیلمهای دسترن

لکس پارکر اکنون در يك فیلم وسترن بازی می کند. نام فیلم جدید او (بسوی تبریزین) است

او میخواهد شخصیت نیمه میمونی خود را رها کند از این لحاظ به فیلمهای وسترن پناه برده. همبازی او مارا کوردای می باشد.

در انتظار فرزند

الیزابت تایلور ستاره زیبا در حال حاضر در هیچ فیلمی بازی نمیکند و قراردادی ندارد، او با آرامش بزندگی خانوادگی خود مشغول است پزشکان اظهار عقیده می کنند که او در ماه مارس فرزندی بدنیا خواهد آورد و این دومین کودک او خواهد بود.

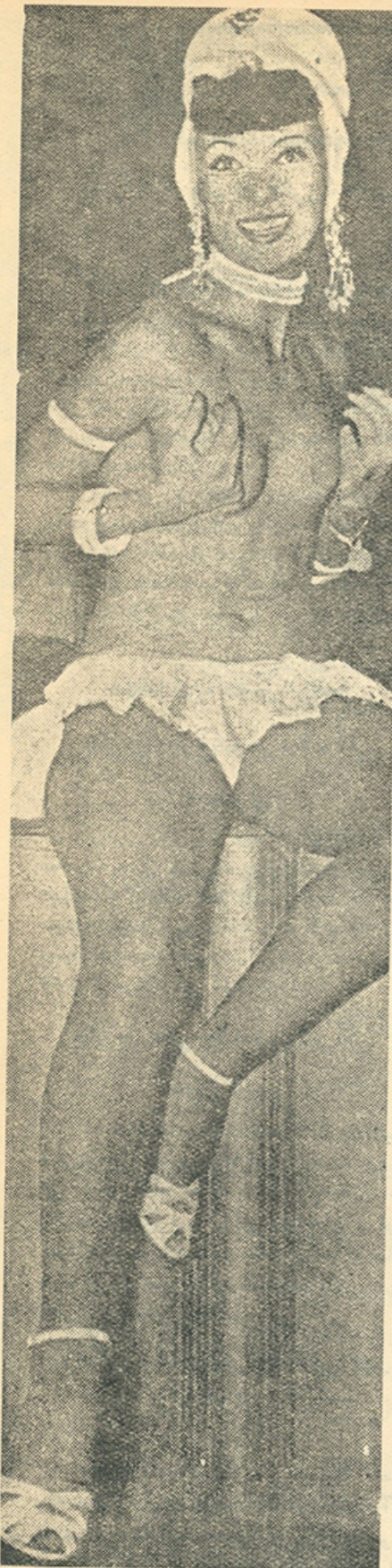
نامه های فراموش نشدنی

بقیه از صفحه ۱۶

۴۰ آذر ماه از شری بشارتی

باز هم برای تو می نویسم؛ تارتی محبوب این بار با زبان دیگری باتوسخن میگویم شاید انتظار داشته باشی این بار هم زمزمه ها و شکوه های قلب خود را برایت بخوانم ولی نه امثال اینکه دیگر زمزمه ای در بین نیست اکنون میخواهم با زبان عقل و زندگی صحبت کنم. و حقایقی را که من میدانم و تو بخوبی نمیدانی برایت بگویم تا بدانی: آیا خوب درك کرده ای که عشق من نسبت بتو چگونه است؟ و اصولا عشقی که من باید نسبت بتو داشته باشم بچه شکلی خواهد بود؟ باشخص عجیبی برخورد کرده ای؛ خوب باید بدانی که اگر شخص دیگری بجای من بود چه نوع احساساتی نسبت بتو میداشت. اما من برای این محیط خلق نشده ام؛ عشق من؛ دوستی من هم برای تو وهم برای خودم سوزاننده و دردناک است من بامحیط مبارزه میکنم یگانگی و دوستی بامن مستلزم فداکاری است.

حالا من باید تورا متوجه حقایقی نمایم که شاید در وحله اول بنظرت افسانه ای آید. شاید هنوز نمیدانی بکجا میخواهی بروی... حساس ترین قسمت آخری این داستان را با عکس در شماره آینده بخوانید..



بیون منار ستاره خوش اندام فرانسوی به هالیوود میرود.



رفراندم بهترین هنرپیشگان ایرانی

در طی دو هفته گذشته نامه‌های متعددی از خوانندگان ما و علاقمندان سینما در باره رفراندم رسیده است و آراء پشیمانی برای هیئت ژوری رسیده است، تاکنون اکثریت آراء در میان هنرپیشگان مرد باعلی محزون و درمیان هنرپیشگان زن بامهین دیهیم و بعد فرح بناهی و ژاله بوده است.

ما بعضی از مقالات مربوط به رفراندم را درج کرده و در شماره پانزده نتیجه قطعی رفراندم را اعلام خواهیم کرد و بازم از کلیه علاقمندان تقاضا داریم که در این مسابقه شرکت نموده و نظریه خود را برای ما ارسال دارند.

مهدوی - مهین دیهیم

بهترین هنرپیشه مرد ایرانی

«مهدوی»

بهترین هنرپیشه مرد ایرانی بنظر بنده محسن مهدوی هنرپیشه فیلم «شبهای تهران» میباشد که باقیافه کاملا طبیعی خود واقعا هنر خود را بمنصه ظهور رساند البته آنهاست که این فیلم را دیده اند با کمی دقت این هنرمند را بهترین هنرپیشه مرد ایرانی خواهند دانست

بهترین هنرپیشه زن ایرانی

مهین دیهیم

استعداد خانم مهین دیهیم که او را در فیلم «بی‌بنا» دیده ایم واقعا قابل تحسین بود چه طی این فیلم خانم دیهیم بدبختی‌ها و گرفتاری‌های فرد ایرانی را با بازی بارز خود بیان مینماید بنظر بنده بیشتر استقبال مردم از این فیلم از سوز اصلی همانا هنرمندی قابل توجه خانم مهین دیهیم بود.

ارسالی - منوچهر هاشمی پور از تبریز

...

این رفراندم ابتکار بزرگی است که مجله پیک سینما آن دست زده. بشرطی که آراء آن مانند یکی دیگر از مجله‌های سیاسی که با موضوع دست زده قلابی بر نشده و نتیجه غیر منطقی از آن گرفته نشود.

اینجا بن پرویز نیک بخش تهرانی از آرزو مندان ترقی و پیشرفت هنر سینما و تاتر ایران میباشم

و بدون هیچگونه شک باستی بهترین هنرپیشه زن کنونی ایران مهین دیهیم دانست و لبخند مرموزی روی توان از شاهکارهای او بشمار آورد.

بهترین هنرپیشگان مرد باعلی محزون است که شاهکارهای تاتری او در نمایش میشال استروکوف دیده می شد.

پرویز نیک بخش تهرانی

مجله محترم پیک سینما

در شماره گذشته آن مجله موضوعی بسابقه گذاشته شده بود بنام بهترین هنرپیشه و زیبا ترین هنرپیشه البته با خواندن این سطور بسیار خوشحال شدم که لااقل چیزی را که مدتها بود انتظار داشتم بوصول نائل آمدم چون من یکی از علاقمندان خانم هایده هنرپیشه جوان و زیبا هستم خیلی دلم میخواست که بتوانم آشکارا عقیده ام را اظهار نمایم

من خانم هایده را از زیباترین هنرپیشه گان ایرانی میدانم او تنها هنرپیشه است که تا بحال چند فیلم پشت سر هم از ایشان نشان داده شده و من هم تمام فیلمها را دیده ام ولی روی بازی بحث نمی کنم

فقط بغاظر اینکه تمام اوقات من متوجه خود ایشان و قیافه شان بودم و ابداروی تکنیک بازی دقت نکردم حال می گویم که چرا ایشان را زیباترین هنرپیشه می دانم

اولا چه در برخورد هائی که در خیابان با ایشان نمودم و چه روی پرده سینما دیدم از جدا ترین هنرپیشه زن هستند او دارای قیافه گیرائی که روی هم نمی توان ایرادی بر او وارد آورد

من نمی دانم شما که تا بحال با این هنرپیشه رو برو شده اید یا خیر ولی اگر شده باشید حتما گفته های مرا تصدیق خواهید نمود از همه چیز بالا تر رفتار متین و خلق خوش ایشان است که چند دفعه با ایشان مصادف شدم خیلی مهربان بامن برخورد نمودند و بستوالات من در نهایت صمیمیت پاسخ می دادند

درخشنده صفائی

قابل توجه شرکت کنندگان در

رفراندم

ما از خوانندگان و شرکت در مسابقه و رفراندم سینمایی خود تعجب می کنیم که چرا به شرایط شرکت در رفراندم توجه نمی کنند. اولاما تقاضا داریم که شرکت کنندگان قضاوت

این صحنه کدام فیلم است ؟



از برنامه های دیدنی عید بشمار میرفت، صحنه ها و رنگ آمیزی جالبی داشت. نام فیلم را نوشته و همراه با ۲۴ ریال تبر بابل نشده برای ما بفرستید تا بحکم قرعه سه نفر از کسانی که پاسخ صحیح داده باشند! سه جایزه سه ماهه مجله اعطاء نمایم.

ما و با عقیده ما را نخواهند زیراماد این مورد [کاملا بی طرف بوده و نتیجه را آراء مردم معین خواهد کرد، تا نیا در انتخاب بهترین هنرپیشه باید استعداد بازی هنرپیشگان را در نظر بگیریم] والا زیبایی تنها عامل ارزش یک هنر پیشه نمی باشد

ثالثا آراء زیباترین هنرپیشه مورد لزوم مانیست

زیرا زیباترین هنرپیشه را رای هیئت ژوری مجله معین خواهد کرد
رابعا از شرکت کنندگان تقاضا داریم که بهترین هنرپیشه سینمای ایران را تعیین بفرمائید والا ما چکار داریم که فلان هنرپیشه در تاتر چکار کرده است ما بسینما کلا داریم نه بتاتر علاوه بر این در صورتیکه نامه ها بدون نام صریح و صحیح و آدرس باشد پذیرفته نشده و رای حساب نخواهد شد.

سینما رکس

باطلاع مشتریان خود و دوستداران فیلمهای بزرگ می رساند که با فرارسیدن و انویه سال ۱۹۵۵ دوره جدید فیلمهای خود را آغاز میکند. تماشاچیان سینما که دیگر با برنامه های این سینما آشنائی دارند هیچیک از این فیلمها را از دست نخواهند داد. اینک نمونه ای چند از برنامه های آینده سینما رکس: برنامه آینده

جاده ۳۰۱ Highway 301

قوی ترین فیلم پلیسی که داستان آن حقیقی بوده و شخصیت های بزرگ امریکا از جمله پرزیدنت آیزنهاور در باره آن در اول فیلم صحبت می کنند. فیلمی که صحنه های هیجان آور آن نظیر ندارد.

باشتراک: صفتو گوچران

طبل های خطر Distant Drums

یک اثر دیدنی و سترن و قهرمانی - فیلمی که تماشاچی را تا آخر در حال اضطراب و انتظار نگه میدارد. باشتراک: گاری کوپر

(مرود کریسمس) ویا Scrooge

شاهکار قلمی چارلز دیکنس داستان سرای انگلیسی

باشتراک: آلیستر سیمپ محصول رنون فیلم انگلستان

(فیلمی که برای بلیط آن جوایز بخصوصی از جمله بلیط مسافرت برم در نظر گرفته شده است)

نقاب فرعون South of Algiers

(یک داستان پر ماجرا از وقایع افریقای شمالی)

باشتراک: واندا هندریکس - وان هفلین - اریک پرتمان - محصول رنگی کمپانی پاته انگلیسی

ماجراهای رابینسون کروزو

Adveture of Rabenson - Cruso

باشتراک: دان اوهرلی - (محصول تمام رنگی کمپانی یونایتد آرتیست)

سینما رکس هر روز صبح ها با صنعتی های روزهای سه شنبه یک صحنه فوق العاده

از ساعت ۱۰ صبح نمایش می دهد.

پاتفاندر

کارگردان: سیدنی سالکو - محصول کمبیا
هیروپیشگان: جرج موننگمیری پاتفاندر
هلنا کارتر ولکوم آلنون
والتر کینگسفورس ... کلنل دو نگانون
ستیو بگاریسی کلنل براسو

توضیح

عده‌ای از خوانندگان از ما پرسیده‌اند که معنی کلمه پاتفاندر چیست این کلمه معنی راهنما را می‌دهد ولی در این فیلم نام قهرمان اول پاتفاندر است و نباید نام فیلم را اشتباها راهنما تصور کرد ...

... پاتفاندر به «فوربله» قلعه انگلیسیا رسید و با کلنل دو نگانون ملاقات کرد او نسبت به مانگوها و فرانسوی‌ها فوق‌العاده عصبانی بود و کلنل انگلیسی از این حس انتقام‌جویانه استفاده کرد ...

پاتفاندر با حاضر هستی برای کسب اطلاع نزد فرانسویها بروی تو میتوانی اطلاعات خوبی بدست آوری و انتقام خودت را هم بگیری؟

بدین ترتیب دو نگانون پاتفاندر را راضی کرد ولی برای این منظور لازم بود یک نفر مترجم و همکار مناسب برایش انتخاب شود روز بعد در اطاق کلنل دختر باریک اندامی که صورتی قلمی داشت و لباس بومیها را پوشیده بود جلوی او را گرفت ...

... پاتفاندر شما هستید؟ بلی فرمایشی دارید؟

من ولکوم آلنون نام دارم، و از طرف



معشوقه آهنین

طرفین میشود، فیلیپ و اسچور دیوانت کشته میشوند.

حال که جیو دالن آزاد شده به «جیم» پیشنهاد میکند که او را همراه خود ببرد جیم حس میکند که قلبا «اورسولا» را دوست میدارد.

هنرپیشگان فیلم
 دو هنرپیشه اول فیلم آلن داد و ویرجینیایو هستند.

لاد در این فیلم شمشیر بازی میکند. معلمی که دو کلاس فر بنکس پدر و پسر «جان بازیور» او را فلین و «تیرن باور» را شمشیر و کار با بازی آموخت امروز نام «آلن لاد» را هم در لیست شاگردان خود دارد.

«فرد کاونز» برای صحنه‌هایی که آلن لاد جنگ تن بتن میکند و با از خود دفاع مینماید حرکات مہیجی با او آموخته است.

«فرد» که شمشیر بازی را در موطن اصلی خود «بلژیک» از سن جوانی آموخته در ۱۸ سالگی معلم و در ۲۱ سالگی پروفیسور درس شمشیر بازی مدرسه نظامی بلژیک بوده است.

فرد در ۳۰ سال پیش بهالیود قدم گذارد و متوجه شد که صنعتش مورد تقاضا و فورا بکار آموزش پرداخته است اولین فیلمی که از هنراو استفاده شد بنام «خاکستر انتقام» بود که در سال ۱۹۲۴ تهیه کرد در آن «کان وی تیرل» را شمشیر بازی آموخته است.

در میان دیگر شاگردان او میتوان «لسلی هوارد» و «بازیل رایتون» و «روبرت موننگمیری» و «کرنل وایلد» و «مورین اوهارا» و «جین پیترز» را نام برد.

فرد میگوید که «بازیل رایتون» زمانی بهترین شمشیر بازان هالیود بوده ولی اکنون کرنل وایلد در فیلم «اسرار حمله» از او سبقت گرفته است.

مع الوصف فرد معتقد است که «آلن لاد» در آموختن و حرکات شمشیر و کار با بازی سرعت عمل خاصی دارد.

«ویرجینیایو» مجددا در نقش زنی هرزه ظاهر میشود. البته زنی بزبانی اوست که میتواند در عین هرزگی دوست داشتنی باشد.

آخرین بار که او در نقش اینگونه زنان بر روی پرده دیده شد در فیلمی بود که آنرا «در اوج قدرت» ترجمه کرده بودند و در آن فیلم او

کارگردان: گوردون دو کلاس
هنرپیشگان: آلن لاد ... جیم بووی
ویرجینیا مایو ... جیو دالن
ژوزف کالیبا ... ژون مورنو
فیلیس کیرک ... اورسولا
محصول تمام رنگی تکنی کالر ۱۹۵۲ کمپانی برادران وانر
مدت نمایش ۱۱۰ دقیقه

تاریخچه مختصر

بقیه از صفحه ۷

هنرپیشگان مشهور
 استودیو «مترو گلدوین مایر» هنگامیکه اولین مرتبه در آمریکا شروع بکار نمودند بواسطه احتیاج و علاقه مردم نسبت بکلیه فیلمها، هنرپیشگان معروفی چون (لون چانی) و (دورتی کیش) و (نورما شیرر) و (جان بازیور) را استخدام نموده و در فیلمهای کوتاه و صامتی آنها را شرکت دادند.

در حدود سالها ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ چون استودیو «مترو گلدوین مایر» آنطور که باید شهرت و موفقیت بدست نیاورده بود، نزدیک بود بکلی محو و نابود گردد در این موقع (جون گرا فورد) را استخدام کرد و در فیلمهای معروف و مشهوری مانند (باران) و (گراندهتل) شرکت داد و توانست دوباره اهمیت و شهرت سابق خود را زنده نماید.

فیلم جدید (جون گرافورد) که شاید اکنون آخرین فیلمی باشد که او در استودیو «مترو» بازی نموده (آهنک مشعل) نام دارد که برخلاف سایر فیلمهای (جون) بطور رنگی و موزیکال تهیه شده است.

این استودیو علاوه بر پیشرفت صنعت سینما باعث پیدایش ستارگان هنرمند و مشهوری چون استرو ویلیامز، وان جانسون، جون آلیسون، جین پاول، الیزابت تیلور، رابرت تیلور جن کلی، استوارت کرینجر، ماربولو نرا، تیرلا فورد، جان هودیاک، آوا گاردنر، لسللی کارون، گریر کارسن، ادموند بردام وعده زیاد دیگری نیز کردید.

فیلمهای جدید

آسان برای عشق (استرو ویلیامز - وان جانسون) هفت عروس برای هفت برادر (جین پاول - هوارد کیل) همه برادران شجاع بودند (استوارت کرینجر - آن بلایت) هوسهای امپراطور (رابرت تیلور - دبوآکر) آیوانهو (الیزابت تیلور - رابرت تیلور) آوازخوانی در باران (چن کلی - سید چاریس) موگامبو (آوا گاردنر - کلارک کیبل) ژولیوس سزار (مارلون براندو - کریر کارسن) اسکراموش (استوارت کرینجر - الینور پارکر) زندانی زندان (دبوآکر - استوارت کرینجر) شاهزاده محل (ادموند پروام - آن بلایت) روزماری (رابرت تیلور - آن بلایت) و بوبرومل (استوارت کرینجر - الیزابت تیلور).

فیلمهای جدید استودیو «مترو گلدوین مایر» در سینما ایران نمایش داده میشود و نمایندگان آن عجالتا با سینمای مزبور محصول شده است.

و سینما ایران تاکنون محصولات خوب این کمپانی را نشان داده و تعداد زیادتری نیز از فیلمهای استودیو «مترو» را نیز در زمستان امسال بتدریج بعرض نمایش خواهد گذارد.



سام زیبالیست

بقیه از صفحه ۱۱

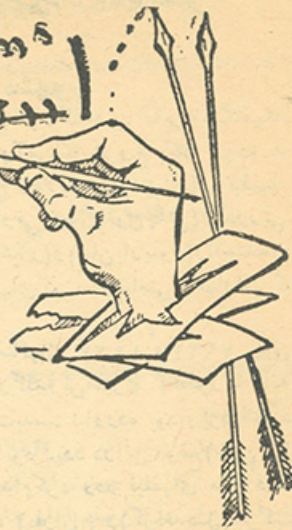
(هوسهای امپراطور) مقدمات تهیه یک فیلم تاریخی و رنگی دیگر را آماده ساخت.

این فیلم که (عشق در سواحل مجهول) نام دارد

و زندگی (امداد بوک) را شرح میدهد، (الیزابت تیلور) ستاره نخست فیلم (مکانی در آفتاب) نقش اول را برعهده دارد و از قرار معلوم ممکن است از عالیترین محصولات شناخته خواهد شد.

مردم درباره (سام زیبالیست) اینطور تصور می نمایند که او اکنون دوره سینمایی خود را با موفقیت تمام بیایان رسانیده و با وج شهرت و معروفیت رسیده است در صورتیکه خود (سام زیبالیست) عقیده دارد که او باید مقدار زیاد تری از فنون و رموز سینمایی را مطالعه کند و هنوز تهیه کننده کاملی نشده است!

انتقاد بر فیلم «دو هفته اخیر»



تجزیه و تحلیل کامل در مورد دو فیلم (گودال مار) و (بازگشت به بهشت)

خارجی اش درهم آمیخته و بشکل غیر طبیعی ظاهر میگردد مورد توجه است.

از طفرل افشار

ویرجینیا پدرش را خیلی دوست داشت ولی در کودکی او را از دست داد عشق پیدرش و برابستجوی دوست و محبوبی که دارای اخلاق و صفات پدرش باشد برانگیخت نیروی تصورات آرامش زندگی او را بهم زد و وی در چند مورد تصور کرد که مسئول و مسبب مرگ چند نفری شده است او یک زندگی درونی داشت و یک زندگی خارجی ویرابه بیمارستان فرستادند مدتها گذشت او در میان دیوانگان عجیبی بسر برد و بتدریج احساس کرد که درچه گودال وحشتناکی افتاده است و هنگامی که بتوسط یک دکتر روانشناس توانست زندگی درونی و بیرونی خود را بهم مرتبط سازد و بر نیروی تصورات خود فائق آید آنوقت متوجه شد که درچه گودال وحشتناکی افتاده است آنوقت بی برده که او میخواهد چقدر عاقل تر و بزرگتر از عاقل ها باشد.

او بیمارستان را ترک کرد در حالیکه عوالم دردناک گذشته اش تجربات عمیقی بوی بخشیدند و حتی موقع ترک دوستان دیوانه اش دوچار تاثر زیادی شد.

شاید او نمیدانست که آیا حالا آن دیوانه ها خوشبخت ترند یا آن عاقل هائیکه خارج از بیمارستان زندگی میکنند؟!.

برای اولین بار است که یک اثر سینمایی بدین شکل وارد مسائل روانی شده و از آن نتیجه میگردد اگر از موضوع بگذریم بازی قوی «اولویا دوهاویلان» در نقش «ویرجینیا» ارزش فیلم را خیلی بیشتر ساخته ولی نمیتوانیم مدعی شویم که فیلم فقط بازی او است.

تجسم تاثرات و عوالم شخصیتی مانند ویرجینیا و پرورش فکر داستان این فیلم کار دشواری بوده که اولویا ستاره هنرمند بخوبی از عهده آن برآمده است بازی مارک استیونس و لئوچن که به ترتیب در نقش های شوهر ویرجینیا و دکتر روانشناس ظاهر میشوند نیز طبیعی و خوب است گودال مار را حتما ببینید.

از میان قفسهای تنک و دیوارهای بلند شهرهای متدین فرار کنیم و با نجانیکه انسانها با آرامش لذت بخشی زندگی میکنند و از تمام دسائس و حقه بازیهای دنیای متدین دور هستند برویم در آنجا است که میتوانیم شیرینی و هیجانان لطیف یک زیست طبیعی را درک کنیم و برایش داستانها بنویسیم داستانی «بازگشت بهشت» و یا «آقای مورگان» اثر جیمس میشر داستان از زندگی اهالی مرجان و مسافرت شخصی بنام مورگان و ماجرای ورود او یکی از جزایر و بالاخره آداب و اخلاق و جریان دیدنی زندگی بومیهای آن سرزمین است مارک روسون کارگردان بزرگ توانسته از این داستان شیرین یک اثر با ارزش و موقیبت آمیزی تهیه کند تشریک مساعی یک عده هنرمند فیلمی بوجود آورده که شاید تجارتنی نباشد و شاید خیلی ها از آن چیزی درک نکنند و یا اینکه برای عده ای کسالت آور و بدون آثربیک باشد ولی برای کسانی که آنرا درک کنند جزئیات لذت بخش و تماشایی خواهد بود هنگامیکه نوشته های فیلم روی پرده میآید آهنگ ملایمی مترنم میگردد و شعر بازگشت به بهشت در طی آن خوانده میشود این آهنگ دلپذیر در غالب قسمت های فیلم بگوش میرسد و در آنجا یک حساسترین قسمت های فیلم اجرا می شود موزیک رل مؤثری را بازی میکند خصوصیات



صحنه ای از فیلم مانگالا

مسترمورگان؟ اخلاق بومیها و عشق بی شائبه «مایوا» دخترک سرخ پوست از نکات قوی فیلم است مایوا معتقد است که فقط یک بار میتوان کسیرا دوست داشت او آرزو دارد که زندگی خود را با یک عشق صمیمی و ابدی ادامه داده و پایان رساند و هنگامیکه این عشق از نزد او می رود او بدنبالش شتافته و بالاخره هم جان می سپارد صحنه های این قسمت فیلم تنها در کسانی که نکات فیلم باروح آنها پیوستگی داشته باشد اثر میکند اگر برای این فیلم از لحاظ موضوع یا جنبه اجتماعی عیبی قائل شویم در عوض باید به آن نکات اخلاقی فوق ارزش زیادی بدهیم در اینجا بازی گاری کوپر در نقش مورگان و راهر تانینس فوق العاده قوی، طبیعی و با ارزش است بازگشت به بهشت راهفته قبل در سینما رگس نمایش دادند.

مانگالا (سینما متر و پل)

قطعا نمایش یک فیلم هندی برای کسانی که تصور میکردند فیلم های هندی عبارت از هنسای عرب و یا امثال آنست حقیقتا مانگالا یک شاهکار هنری و نمونه ای از وجودیت هند و هندوستانی میباشد گذشته از پیشرفت محسوسی از تکنیک و مونتاز دیده میشود موضوع فیلم هم از لحاظ اجتماعی قوی است موزیک متن فیلم از آهنگها و آواز های گرم و دل انگیز هندی تشکیل شده و این موزیک هم بیننده علاقمند بوسیعی وهم تماشاچی موضوع فیلم را محظوظ و راضی میکند.

آواز گرم «دلیپ کومار» صحنه های دسته جمعی رقص و آواز دختران هندی در میان کشتزارهای گندم از نکات فراموش نشدنی است که بدون شک در روح تماشاچی بعنوان یک اثر لذت بخش سینمایی اثر خوبی بجا میکند. البته مانگالا را نمیتوان یک شاهکار کامل دانست بلکه نکات اضافی و تصنیفی در آن زیاد بچشم میخورد. رنگ آمیزی آنهم زنده میباشد ولی ایده و نتیجه فیلم که فکر مساوات برابری و آزادی را میدهد به فیلم جنبه اجتماعی قابل توجهی داده و بخوبی نشان میدهد که کارگردانان سینمایی هندوستان با دیده روشنی به زندگی نگرسته و مبارزات اجتماعی را بنحوا حسن در تاریخ خود مجسم مینمایند.

در خانه باید متذکر شویم که این مانگالا حقیقی نیست زیرا پنج پرده آنرا در خارج ایران و قسمتی از آنرا هم متاسفانه اخیراً در تهران سانور کرده اند و با این عمل لطمه بزرگی بیک شاهکار سینمایی شرق زده اند. عجب است آیا مردم ما حق ندارند یک فیلم را بطور کامل و صحیح و سالم ببینند؟ ما بکارگردانان سینمای هندوستان که چنین آثار بر ارزش اجتماعی تهیه میکنند تبریک میگوئیم.

سکاراموش (سینما ایران)

مدتها بود که چنین فیلمی روی پرده نیامده بود سکاراموش یک اثر تجارتنی نیست این فیلم یک اثر با ارزش تاریخی است که یک علاقمند واقعی سینما میتواند چند بار آنرا ببیند موضوع شیرین، پر سوزناز هائی جالب تاریخی صحنه های تاثر کمیک فرانسه در نیمه دوم قرن هیجدهم و بالاخره شمیر بازی جالب فیلم سکاراموش اثر رافائل ساباتیینی رمان نویس مشهور را به تمام معنی دیدنی ساخته است و باید اضافه کرد که هنریشکافی مناسب و مبرز هم برای ایفای نقش های اول انتخاب شده اند و چهار هنرریشه مشهور ستوارت کرانجر - جانت لی - الینور پارکر مل فرر بخوبی نقش های خود را ایفا میکنند گرچه در اصل داستان تغییرات زیادی داده اند و بکلی فیلم را از حقیقت داستان دور ساخته اند لیکن با همین داستان ناقص سکاراموش یک اثر دیدنی از آب درآمده است و بخصوص قسمت مبارزه نمایندگان ملی مجلس فرانسه بر علیه نمایندگان اشراف نیز جالب است.

مصر کوچک (در ایران)

تا هفته قبل این فیلم بی سر و ته تجارتنی را در سینما ایران نمایش می دادند به تصدیق همه مصر کوچک یکی از آن فیلم های مبتذلی بود

که در چند ماه اخیر نظیرش دیده شده بود گذشته از موضوع بوج و نکات تصنیفی و بازی بدون ارزش اصول زندگی و حکومت مصر نیز به منسخره گرفته شده بود معلوم نیست کارگردان این فیلم با اثر ساختگی خود جز زیبا نشان دادن شنادی و فساد کار بهم انجام داده باشد؟

بگدام سینما

برویم؟

ایران والبرز

«سکاراموش» محصول رنکی سال ۱۹۵۲ کمپانی مترو کلدوین مایر - باشتراك: ستوارت کرانجر - جانت لی - الینور پارکر - مل فرر. ناطق انگلیسی - تاریخی ...

همای

«آقا محمدخان قاجار» محصول سال ۱۳۳۳ استودیو پارس فیلم - کارگردان محتم - باشتراك: محتم - ژاله - مورین امیر فضلی - بهیامی - ناطق فارسی - تاریخی ...

متر و پل

«مانگالا» محصول رنکی سال ۱۹۵۲ هندوستان - باشتراك: دلیپ کومار - نیمه ناطق هندی - درام موزیکال ...

رگس و دیانا تاج

«دزد سرخ پوش» محصول رنکی سال ۱۹۵۱ کمپانی وارنر - باشتراك: برت لنکستر - اوابارتوک - نیک کراوات - ناطق انگلیسی - قهرمانی ...

کریستال

«فرمانده جسور» محصول ۱۹۵۰ فرانسه باشتراك رنه سنت سیر: ناطق فرانسه قهرمانی.

تهران

«پیروزی اسلام» محصول سال ۱۹۵۱ باشتراك: عباس فارس ناطق عربی - تاریخی

مایاک

«جاده کوهستانی» محصول رنکی سال ۱۹۵۱ کمپانی کلیپا باشتراك: لون مک کالیستر و اندا هند ریکس - پرستون فوستر - ناطق انگلیسی - وسترن

خورشید

«عشق و ناگامی» محصول سال ۱۹۵۳ باشتراك: کامل الشناوی - شادیه - اسمعیل یاسین - ناطق عربی - موزیکال چهار ستاره عالی - سه ستاره خیلی خوب - دو ستاره: بد - یک ستاره: متوسط بدون ستاره: بد

...

توضیح و تصحیح

در شماره گذشته اشتباهی رخ داده و در برنامه سینما کریستال نام فیلم «گودال مار» محصول یونایتد آرتیست نوشته شده و فقط سه ستاره برای آن گذاشته شده بود. در حالیکه این فیلم محصول کمپانی فوکس بوده و ارزش آن عالی یعنی چهار ستاره است. بدین وسیله تصحیح نموده و بوزش می طلبیم.

هنوز نمایش شاهکار عظیم تاریخی که تنها کمپانی مترو قادر پیرو راندن و تهیه آن است ادامه دارد
امشب

در سینما ایران سکاراموش

محصول کمپانی مترو

شمشیر بازی

بیمسابقه

صحنه های

دیدنی

برنامه آینده

مسحره شاهکار ((در سگلتون)) فیلمی که تماشاچی را از شدت خنده بگریه خواهد انداخت

یک داستان عالی دراماتیک محصول کمپانی پارامونت

بزودی: هوسهای امپراطور (بزرگترین و پرخرج ترین شاهکار صنعت سینما) فیلمی

که مدتها است که در انتظارش میباشید. تمام رنگی با شتراک:

رابرت تایلور - دبورا گر - لئو جن

اثر رافائل

ساباتینی

یک داستان

شیرین

تاریخی

یک شاهکار

قهرمانی

با شتراک: ستوارت گرانجر - الینور پارکر

جانت لی - مل فرر

برنامه آینده

سینما ایران



سینما خورشید سالون لوکس و زیبای خود را برای مشتریان فیلمهای عالی با برنامه های
تازه و دیدنی اولین مرتبه
محصول مصر
افتتاح میکند



امشب برای اولین مرتبه
یک شاهکار موزیکال

تماشای عربی

عشق و ناکامی

به اشتراک:

کامل الشناوی - شادیه

اسمهیل یاسین

(معروفترین هنرپیشگان مصر)

برنامه آینده

یک درام موزیکال دیدنی

و شیرین

پدر گناهکار

شاهکار نور الهدی ستاره و

خواننده محبوب

با شتراک: محمد فوزی - بشاره

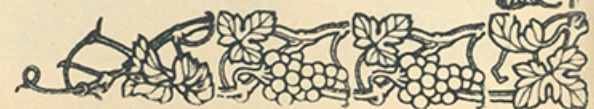
واکیم



سینما خورشید برنامه های عالی و دیدنی خود را که از بهترین فیلمهای محصول مصر میباشد

ادامه میدهد و از علاقمندان فیلمهای عربی برای تماشای برنامه های خود دعوت میکند.

۴۵ - آ



بزودی در سینماهای درجه اول پایتخت

پایتخت

دنیای

محصول

ایران فیلم

۲- بهمن

